

اول ماه مه چگونه برگزار شد

در حالیکه کارگران اکثر کشورهای جهان روز جهانی کارگر را با تعطیل رسمی و برپائی راهپیمائی ها جشن و سرور گرامی داشتند در ایران سرمد اران رژیم جمهوری اسلامی اعلام داشتند که روز جهانی کارگر تعطیل رسمی نیست.

رژیم در همین حال و تحت فشار کارگران جو حاکم برجایمانه سعی کرد تا این روز را به نوعی برسمیت بشناسد بطوریکه امسال دیگر صحبت از اینکه "همه روزهای کارگر است و یا" ما قهرماندی نمی کنیم و" برای هر قدری روزی نمی گذاریم، گذر رفت هم کارگر است" خدا هم کارگر است" و... در آواز تبلیغات

خود حذف کرد. عقب نشینی رژیم تا بدان حد بود که حتی برنامه های ویژه ای نیز بمناسبت تدارک در بدو در راه پرتلوئیزسون تبلیغاتی باین مناسبت صورت داد. رژیم که در ریافتا بودن نمی تواند روز همبستگی جهانی کارگران را از ذهن آنها بزداید پس خود را پیچیدار این روز قلمداد کرد تا بلکه از این طریق آنها را از محتوای سیاسی سازد. اما کارگران بعد رستی نشان دادند که جشن سرماهد اران فریبی پیش نیست و در عمل نیز با پشت کردن به مراسم فرمایشی رژیم، کینه طبقاتی خود را نسبت به رژیم سرماهد اری جمهوری اسلامی بقدمت رصفحه ۳



تظاهرات توده ای و تظاهرات موتوری

تظاهرات توده ای مردم در شهرهای بهاران شده بر طبقه جنگ و جمهوری اسلامی از یکسو و عکس العمل رژیم در مقابل این تظاهرات، و جبهی از منحنیات بحران انقلابی حاکم برجایمانه مارا که با جنگ همین گشته است، پیش از پیش تبلیغ و روشن ساختن. حرکات اعتراضی توده ای در این سال جدید، یک جبهی کیفی را نشان داد و در مقابل به مثل و عملیات ایدائی رژیم بر طبقه تظاهرات و جبهی ایجاد شده در جامعه، استیصال و ناتوانی رژیم را در رویارویی با جنبش توده ای بنمایش گذاشت.

یک وجه از استیصال و ناتوانی رژیم، البته در قدرت و عزم توده ای در مقابل جنگ و رژیم، یعنی در مقابل با فقره بی خانمانی بقدمت رصفحه ۲

پرسی اشکال مبارزاتی کارگران و زحمتکشان در سال ۶۳ (۲)

در بخش اول مقاله، ذهنیت کارگران و زحمتکشان را نسبت بمسائل مختلف صورت پرسی فرادادیم. در بخش دوم مقاله خواسته های کارگران و زحمتکشان، اشکال مبارزاتی آنان، مقایسه مبارزات کارگران و پیکر زحمتکشان و همچنین ارتقاء مبارزات کارگران از لحاظ کیفی و کمی نسبت بمسائلی ۶۱ و ۶۲ مشرعمای سرکوب رژیم و بالاخره جمع بندی در بخش مقاله را خواهیم آورد.

۱- خواسته های کارگران و پیکر زحمتکشان در سال ۱۳۶۳:
الف- کارگران - بهترین خواسته کارگران در سال ۶۳ که حول آن بیشترین موارد حرکات اعتراضی شکل گرفت و در اکثر بقدمت رصفحه ۲

اعتراضات توده ای علیه جنگ ارتجاعی و رهنمودهایی به هواداران سازمان در رصفحه ۱۹

انقلاب یا رفرم؟ - ۳ -

انتقاد و انتقاد از خود بشیوه کمونیستی

نکاتی پیرامون انتقاد و انتقاد از خود از دیدگاه کمونیستها - ۱ -

چرا انتقاد می کنیم؟ از جمعیز انتقاد می کنیم؟ دیدگاه حاکم بر انتقاد چه باید باشد؟

۱- دیدگاه حاکم بر انتقاد چه باید باشد؟ تاثیرات نیم قرن اپوزوتیسم سازشکاری

حزب توده و متعاقب آن تاثيرات مائوتیسم که بلافاصله و با پشتوانه حزب کمونیست چین، جایگزین این نظرات بهرزه در میان جوانان انقلابی کشورمانند، در بقدمت رصفحه ۷

- در این شماره:
- اطلاعیه کمیته مالی
- یادداشت های سیاسی
- ضمیمه خبری

پخش نشریات سازمان در خدمت جنبش انقلابی

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

تظاهرات...

ستم اقتصادی و خفقان و سرکوب نهفته است. اما این تمامی مطالب نیست و در تظاهرات اخیر شهرهای بسیار شده نیز، تمامی قدرت و وزن بالقوه تور، مابعد عمل در نیامده و نمی توانست در آید. تظاهرات اخیر با تمام تاثیراتش فقط گوشه‌ای از خشم تراکم شده تورها را عیان نمود. در عین حال همین اعتراضات و تظاهرات، که منتهی بود از خروار قدرت و ابتکار تورها، در سربالایی آسیب پذیری رژیم را برملا ساخت. رژیم پس از آنکه سرکوب گشتار قرون وسطایی که توانسته است که بحران انقلابی جامعه را تعدیل کند (و بسا سرکوب تنها این امر میسر نیست) و نه اینکه خود را تثبیت نماید. در حقیقت ترکسب و ماهیت طبقاتی رژیم، و تضاد های درونی حاکمیت خود را در ریشه‌های متفاوت تعدیل بحران اقتصادی و سلطه رکود سیاسی بر جامعه نمود. در میسازند، رژیم را در مقابل حرکات تور های بسیار آسیب پذیر نموده است. بدین قرار استحصالی رژیم در مقابل با جنبش ربه اوج تورها، از یکسو وابسته به قدرت جنبش تور های است و از سوی دیگر وابسته به ناتوانی طبقاتی، والیته همین است قدرت. تظاهرات مردم زخمکش کوی ۱۳ آبان در تهران که بعد نیال تظاهرات ضد جنگ و دوسایر شهرهای بسیار شده صورت گرفته، ضمیری کهنی در مجموعا وجود آورد که منحصر به تهران نبود بلکه کل ایران را شامل شد. و به همین دلیل است که هم تورها هم رژیم از این باصلاح حادثه (تاریخ کسران رژیم بران نهادند) بسادگی در گذشته اند. این حادثه و سیاسی آمد های آن (از جمله تظاهرات موتوری آوایش رژیم) هم برای جنبه انقلاب و هم برای جنبه ضد انقلاب (غالب مغلوب) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. و حار و دوسایر در چگونگی پیشبرد انقلاب و در چگونگی سرکوب انقلاب می یابید.

این تظاهرات و سیاسی آمد های آن نموداری بود از نقاط قوت و ضعف جنبش انقلابی تور های و همچنین نقاط قوت و ضعف رژیم در مقابل با جنبش تور های و تشبیه خود. ابتدا به وجوهی از مشخصات تظاهرات ضد جنگ با عطف توجه به تظاهرات تهران میگردیم.

اولین نکته بارزی که در تظاهرات تورها کاملاً آشکار بوده و نقطه قوت جنبش بحساب می آید، پیوندی است که تورها بین رژیم و جنگ برقرار میسازند. در اکثریت قریب به اتفاق تظاهرات، شعارهای ضد جنگ به تنهایی وجداً از شعار پرولتاریه جمهوری اسلامی نبوده است. اگر تورها در آغاز جنگ به دفاع طلبی دچار شده بودند و جنبش که دستگیر زندگیشان شده بود در امنیت از جنگ می یابند که بهر حال به ملت مقدس بودنش باید تحمل کنند و به این ترتیب رژیم

از آماج خشم و کینه تورها (به ملت فقیر و سکت و در ریدی و آوارگی و...) بطور نسبی برکنار بود، اما بتدریج تجربه زندگی اجتماعی خود نشان و همچنین تأکید و روشنگری های نیروهای سیاسی انقلابی آنها را بر رابطه بین جنگ و رژیم و آفت گرداند. جنگ برای تورها جز فقر و فاقه و در ریدی و تشدید بیگاری و قحطی و گرانی جز ایجاد زمینه‌ای برای تشدید تورها، خفقان و بی حقوقی و جزیم و ویرانی شریکند است. اکنون تورها منتها به تمامی این مسائل و قوفی دارند، بلکه علت کلیه بدبختی های خود و از جمله تشدید این جنگ را رژیم جمهوری اسلامی می دانند. تبلیغ شعارهای "مرگ بر پارسا" "مرگ بر جنگ" و "مرگ بر خمینی" بیانگر رابطه است که تورها با این جنگ و رژیم برقرار میسازند.

صلحی که تورها خواهی آرند صلحی است که بتواند به مصائب آنها پایان دهد. و همین لحاظ است که در دوره عبده بطور غریزی و از طریق تجارب کسب شده طوسی چندین سال گذشته، شعار صلح تورها با شعار نابودی رژیم عمیق شده است.

تورها خواهان صلحی هستند که در سایه آن به کاره سکن، در مرکزی آزادی، امنیت و رفاه اجتماعی نائل شوند تا یکساز این حقوقی مطلق که جمهوری اسلامی بر جامعه حکمفرما کرده است و از ستم اقتصادی سرکوب و خفقان اثری نباشد. تورها خواهان صلحی در مکرراتیک هستند و از همین رو است که ضمن شعار "تبدیل جنگ به صلح" در املی "راه انحصار" گوناگون در شعارهای خود بازگو می کنند. چرا که تورها به عینه دریافتند که منشاء کثبیتی که گریبانگیر آنها شده است و از جمله جنگ، در رژیم سزایه داری جمهوری اسلامی نهفته است.

تورها به تجربه دریافتند که باید از بحران انقلابی که جنگ اثراتش بد کرده است، برای سرنگونی رژیم استفاده کرد. در زمانی که بهاران شهرها بشکل گسترده آغاز شد و با وجود ترس و تأخیری که به دیگر ابعاد فلاکت تورها اضافه گشت، یا این وجود نقطه امید ی نور و آتش وجود آمده: خرابی چونه که از حد بگذرد آباد می گردد.

پس از تظاهرات مردم پرورد، این دیدگاه قوت گرفت و مردم ترصد این بودند که کسی بهاران آتبات تحمل را شاق می کند تا مردم بغیر اینها بریزند و انقلاب خود را علیه رژیم آغاز کنند. و حتی زمانیکه پس از تظاهرات کوی ۱۳ آبان بهاران قطع شد، تورهای بسیاری می گفتند که اگر این بهارانها مدتی بیشتر ادامه می یافت، مردم حساب خود را با رژیم تصفیه میکردند، یعنی انقلاب میکردند. در اینجا غرضی نباید این بهنش خود بخودی در مورد خرابی پیش از حد برای آبادی بعدی نیست، بلکه منظور بیان نگرش تورها به بحران انقلابی و استفاده از مصائب جنگ برای سرنگونی رژیم است. منظور بیان

رابطه است که تورها بین جنگ و رژیم برقرار میسازند و شعارهای ضد جنگ خود را با شعارهای ضد رژیم درهم می آمیزند.

درست به همان نسبتی که تورها بطریق تجربی و کار تبلیغی نیروهای سیاسی انقلابی دریافتند که باید از تشدید بحران انقلابی ناشی از جنگ در جهت سرنگونی رژیم سود جست، برخی نیروهای مدعی پنهانگسی تریهها، با تمسیر در پیش آگونیستی، به این نتیجه می رسیدند که باید مرحله به مرحله تورها را بخلو سود داد (!) ابتدا باید شعار صلح بدین تلفیق با سرنگونی را مطرح کرد. مثلاً "راه کارگر" که با پیروی از "همراه با تورها" همواره بعد نیال جنبش خود بخودی تورها روان بوده است و در اوائل جنگ، از جمله پرچم آران بنام "مرفاع انعام میهن" بود، اکنون پرچم بوقساری صلح بدین سرنگونی رژیم را برافراشته است. اما آیا در اینجا تناقض وجود ندارد؟ اگر تورها شعار صلح را با شعار سرنگونی رژیم در هم آمیخته اند و اگر تورها به پیروی از بحران انقلابی ناشی از جنگ جهت سرنگونی رژیم برداخته اند، پس آیا قاعدتاً راه کارگر و نالیور تورها نباید چنین کند؟ همین امکان هم وجود دارد که اساساً طرح سوال به این شکل صحیح نبوده باشد. چرا که مثلاً راه کارگر می تواند استدلال کند که اولاً نباید از روی مراحل جمیع، باید "به تشویق مراحل" پایبند بود. تورها هنوز "صای رژیم" - جنگ - را از وی نگرفته اند تا شمار سرنگونی رده شود. ثانیاً تناقضی وجود ندارد. ماهیوز هم معتقدیم که باید "همراه با تورها" بود، اما مگر تظاهرات اخیر کل تورها را در بر گرفته است؟ ثالثاً... بدین راه کارگر از این نوع استدلال های آگونیستی بسیار در چینه دارند، بمساله اصلی بازگردیم.

بهر حال، کتیم که نکته مثبت و بارزی که در حرکات اعتراضی تظاهرات اخیر تورها به چشم می خورد، شناخت حسی آنان از صلح و مکرراتیک و برقراری رابطه‌ای دیاکتیکی بین صلح و سرنگونی رژیم بود. اما این نقطه قوت جنبش اساساً تجلی یک حرکت نفسی (کرا) نفی رژیم) است، بطرز دیاکتیکی و آگاهانه با جنبه اشائی حرکت تکمیل نمی شود. تورها بطور غریزی و به تجربه مستحسبای انقلابی خود واقفند، اما هنوز بطور مشخص وقایع یک الیترناتیو قدرت سیاسی که متناسب با خواستهای انقلابیشان باشد را ندیده بودند. یک نیروی سیاسی بر قدرت که تورها باید برایش باشند و توان سیاسی بر حرکات تورها را داشته باشد وجود ندارد. تجربه سال ۵۷ و اعتماد ناآگاهانه تورها به خمینی و دستگاه مذهب، اینچنان تورها را - بحق - در زمینه اعتقاد به نیروهای سیاسی و الیترناتیو قدرت محتاط کرده است که پیشبرد امور از سوی نیروهای سیاسی بسادگی سال ۵۷ نمیباشد. و همین

برای برقراری صلحی دموکراتیک، جنگ از تجاعی ربه جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

بفهمد صفحه ۱۲

اول ماه مه...

بنمایش نهاده شد. جمهوری اسلامی باتوجه به جو حاکم پرکارخانجات و رشد کمی مبارزات و اعتراضات کارگری پیروز در یکسال گذشته، در یازدهمین توانست همچون اول ماه مه سال قبل کارگران را با کاروان اردو پرنامه نمایش خود راهی از پایمان ریز کار و برای خالص نبودن عرضه برپا کنند. از سوی دیگر از تعطیل رسمی کارخانجات نیز شدت میبردند و از آن راهی داشت که کارگران در محلات و شهرکهای خود، تظاهرات پرنامه های مستقل برپا کنند. از اینرو به این حمله توسل شد که مراسم اول ماه مه در سلامت و صبح برگزار نماید. باین ترتیب هم کارگران را برای کارت زدن و عدم رعیت و خطرات متعاقب آن بکارخانه می کشاند و هم از این طریق بخشی از کارگران را به مراسم فرمایشی میبرد. اما این حمله رژیم چند آن کارساز نبود و تا شکست مایه نگردید.

از چند روز قبل از اول ماه مه، صحبت کارگران در تمامی کارخانجات حول اول ماه مه در میز و آنکه در این روز چه خواهد شد و آیا کارخانجات تعطیل خواهند کرد یا نه؟ کوشش کارگران میخواستند نظر هم زنجیران خود را رانین مورد بد اند و برای حضور یادم حضور خود نیز تصمیم بگیرند.

این امر خوبی خلاف یک تشکیلات منجمد و متحد کارگری را بنمایش می گذارد. انجمنهای اسلامی، این ارگانهای جاسوسی رژیم نیز در روزهای قبل از اول ماه مه، دستخیز یافته بودند تا مصیبتهای کارگران را در مورد اول ماه مه گزارش کنند و ارگانهای هلنیستی سرکوب نیز بسیج شد میبندد در مناطق کارگری نشین و حوالی کارخانجات به گشت زنی مشغول بودند تا هر چه رعب و وحشت کمخیال خود حاکم گرد مانند بیفزایند.

واقعی است انگار تا یک در شرایط نقد آن تشکیلاتی کارگری از یکسو و جاسوسی پلیسی و سرکوب حاکم پرکارخانجات از سوی دیگر، امکان تصمیم گیری و برخورد واحد و متحد و یکپارچه برای کارگران مهیور نبود. علیرغم میل باطنی کارگران مبنی بر به تعطیل کشاندن کارخانجات، علاقه مند از کارخانجاتی که تماماً و متحداً به تعطیل کشاندند شدند معذور بود. اما در همین حال بسیاری از کارگران بطور منفرد و بیچند نفری بر سر کار حاضر شدند و با از دست دادن روز قبل مرخصی گرفته بودند. اما تحریم مراسم صورت گرفت که این حرکت در عین خود به خودی بود، و ضمن اراده واحد طبقه کارگردان است و بطور غیر آنگیزی خشنو نفرت کارگران از رژیم جمهوری اسلامی را بنمایش نهاد. گزارشات رسیده حاکی از آنست که از حدود یک میلیون کارگر که در کارخانجات

تهران بجمعه بکار مشغولند تنها حدود ۳۰ هزار نفر آنهم با احتساب مزدوران انجمن اسلامی، بسیجی ها و پاسد ایران و دیگر جرمخواران در این مراسم شرکت جستند و جمعیت زنان شرکت کننده بالغ بر ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر بود. هنگامیکه از تعطیل کارخانجات بعد از راهپیمایی کارگران برای شرکت در مراسم دعوت شد، کارگران بی اعتنا به آن، دسته دسته بطرف درجهای خروجی رفته و از سوار شدن بر سرویس ها و شرکت در مراسم سر باز زدند. در بعضی از کارخانجات نظیر ایران ناسیونال، درجهای خروجی را بسته بودند تا کارگران اجباراً سوار سرویسها شوند و اما کارگران از پاره های ایا رفته و محوطه پارکینگ کارخانه اترک میگردند و بطوریکه انتظامات سعی گردماندند اما با تسخیر و فریاد هو کردن کارگران مواجه شد و اجباراً درجهای خروجی را گشودند. بدین ترتیب کارخانه از بلند کردن کلاه حزب اللهی ها اسلامی شرکت کنندگان در مراسم را که سوار سرویسهای شوند بنویسند و به انتظامات بدهند اما این تهدید هم موثر واقع نشد و سرانجام با مصیبت فرمان زد این خواست گروهکهاست که شعار در مراسم شرکت نکنید و... از ۱۲ هزار کارگر ایران ناسیونال تنها ۴ نفر سوار سرویسها شدند که در بین راه هدایای پیاده شده و بطرف شهر حرکت کردند.

در برخی کارخانجات که تهیه وسیله منظمه برای کارگران دشوار بود کارگران سوار سرویسها می شدند اما در محل تقاطع جاده فرعی استاد بوم از سرویس پیاده شدند و بطرف شهر میرفتند. این حرکت کارگران که بطور دستمجمعی بطرف شهر حرکت می کردند منظره شوکه کننده ای شبیه به یک راهپیمایی را بدید آورد و بود. در پارس مثال بدست راست اصرار می ورزیدند که کارگران با لباس کار مراسم بروند که با مقاومت کارگران مواجه شد و اجباراً عقب نشینی کردند.

از جامکسو تنها ۹ نفر از کارگران سوار سرویسها شدند که حد و نهی از آنان در بین راه پیاده شده و به مراسم نرفتند. از ایران گاو که حدود ۴ هزار کارگر اردتعداد انکتست شماری به مراسم رفتند.

حمله دیگری که رژیم بکاربرد برای آنکه کارگران را به مراسم بکشاند و آن برک خروجی و مأموریت بکارگران بود که این برک باید در استاد بوم تحویل میشد تا شرکت کنندگان در مراسم مشخص شوند اما تمامی این نیرنگها در مقابل اراده واحد کارگران با شکست کامل مواجه گردید.

در استاد بوم آزادی، درجهای ورودی و جادهای منتهی به آن توسط ژاندارمهای رژیم کنترل می شد و گشت های کمیته نیز در منطقه به گشت زنی مشغول بودند. در داخل استاد بوم تنها چهارم قسمت لایان آن را شرکت کنندگان تشکیل می دادند و قسمت بالایی آن کاملاً خالی بود و عناصر سرزور

کمیته مسلح به کلت در این قسمت و در بالای سر کارگران بر سر میزدند. علیرغم اینکه شرکت کنندگان ترکیبی از ناآگاهترین کارگران، عناصر مزدور انجمن اسلامی و عوامل سپاه و بسیج بودند، با این وجود حتی همان قسرنانگاهی که در مراسم آمده بودند با شروع سخنرانی خانهای وطنین اعتراضی مشخصی کشیده هو کردن خانهای بود نفرت خود را از دشمن طبقاتی خود بنمایش دادند و در مجموع در طول سخنرانی خانهای حدود ۱ هزار نفر بتدریج مراسم را ترک کردند. در واقع تنها مزدوران بلا واسطه برجای ماندند و بنام فرمایشی رژیم بناسبت روز جهانی کارگران انجمن خود بنمایش دادند و در جمع و در طول مراسم را ترک کردند. حتی سران رژیم تا به این حد تحریم و بی اعتنائی کارگران را انتظارند اشتند.

آنکس که بیشترین زبانه های سازماندهی در میان کارگران بدید آمده است کارگران پیشرو و دیگر انقلابیون کمیته است باید وظیفه عاجل خود را در این جهت بکار گیرند. حال که بکارگانهای در میان کارگران جوانهای به گل نشسته را تحلیلی سلفه و اشتقاقی صوفی کارگران آگاه و مبارز بسوی تشکل وسیعاً مشاهده می شود، باید همتهای سرخ کارگری بر فعالیتهای خود بیفزایند و کمیته های مخفی انضباط را حتی بصورت محدود بنیان گذارند. ارتباط مراکز تولید را برقرار سازند و طبقه کارگر را متشکل سازند.

انقلاب یا...

شرایط رهایی کار از قید سرمایه که بنظیر تحمیل کارگران فقط حرفش را میزند را بگونه ای عرضه میدارد که جز بقا سرمایه نتایج ای دیگر باید نشود. بدین ترتیب شرایط ارتقا مبارزه طبقاتی و توان پهلوانی را به ایجاد دموکراسی بورژوازی و سپس تحکیم آن خلاصه می شود. و این امر نیز همچون مقوله رشد نیروهای مولده، در تماسی پیوسته توسعه سرمایه داری و در هر جامعه ای با شرایط ویژه میتواند هد فی بیگانه و درخور مدلی شود. آنچه که در این مورد مطرح می شود همان استدلالاتی است که در قرن ۱۹ و ۱۸ در زمان انقلاب سرمایه داری مطرح می شد. گوئی طی این مدت هیچ درگونی در نقش تاریخی دموکراسی بورژوازی حاصل نشده، هیچ تجربه جدیدی جهت کسب قدرت سیاسی به روش نپوسته است و هیچ ارگانی که حامل دموکراسی عالی تری از دموکراسی بورژوازی باشد کشف و بدیدار نشده است.

ادامه دارد

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

پیروسی اشکال مبارزاتی...

موارد به اعتراضات انجامید، خواست افزایش دستمزدها، پرداخت حق سختی کار، حق تأمین منافع و اجرای طبقه بندی مشاغل - باز هتیت افزایش دستمزدها بود. در اکثر موارد خواست افزایش دستمزدها در یکروزه نادرش فراوان بوده است و در مجموع ساله افزایش دریافتی‌ها را در پی گرفته است. بهترین حرکات اعتراضی که حول این خواست‌ها صورت گرفته است در کارخانجات زیر بوده:

گروه صنعتی رنما، گاز آرد، شیشه و گاز، فرنج، پارس‌تال، کاناد اد رای، فرش گلان، شرکت پیام، راه‌آهن مرغه، ایران الکتریک، ستیاب، سپهان آپلک، کفش ملی، ایران تایر، اروغش فولاد مبارکه، مولین بوکت، مقدم، فخر ایران و تربیتون. بر اساس گزارشات موجود در مجموع خواست افزایش دستمزدها در یکروزه یا چند روز ۶۵ درصد خواستهای کارگران براد رسال ۶۳ تشکیل می‌دهد و است که این امر ریشه در واقعیت‌های اجتماعی، بحران عینی اقتصادی، تورم افسارگسیخته و... داشته که پشت سطح مصیبت کارگران را کاشف کرده است. ابعاد اعتراضات و اعتراضات حول این خواست آنچنان گسترده بوده است که رژیم ناچار شد در آستانه اول ماه مه و جهت جلوگیری از مبارزات کارگران، سطح حقوق پایه را ۱۲ درصد افزایش دهد. رژیم با این ادعا که تورم در سال ۶۳ برابر ۱۲ درصد بوده است و متناسب با تورم افزایش دستمزدها را محاسبه کرده است. حال آنکه دستمزدها طی مسال گذشته که مدام نرخ تورم افزایش یافته تخریبی نکرده بود - سعی کرد تا شمار مطرح شده از سوی انقلابیون کمونیست را به زعم خود بی اثر - آرد و حال آنکه افزایش ۸ تومان بمقدور روزانه کارگران هیچگونه تأثیری در زندگی آنان نخواهد داشت. کارگران به این واقعیت کاملاً واقفند که سطح تورم در هسایه بر میزان ادعائی رژیم بود موافق حرکت رژیم جز حیل و فریب چیزی نبود است. اما اینکه محور خواستهای کارگران افزایش دستمزدها و مطالبات اقتصادی - در ظاهر امر - بوده نه ناشی از سطح نازل آگاهی آنان بلکه ناشی از آنست که این خواست بهترین زمینه عینی بسج کارگران حتی عقب ماند - ترین آنان را در آرد زیرا که بعد لیل نبود تشنگی و وجود جو سرکوب در روحیافتنترین شکل آن معلوم حتی طرح خواستهای اقتصادی در شرایط کنونی در ضمن خود یک مبارزه سیاسی محسوب می شود از اینرو طرح خواستهای اقتصادی را نباید مترادف با سطح نازل مبارزات قلمداد کرد و همچنانکه در پیروسی

د هتیت کارگران تذکر شدیم و به عنیفان آردیم و رشد آگاهی کارگران در حدهی است که در صورت سازمانی پتانسیل یک مبارزه سیاسی همجانبه را آرد می باشند.

اما اینکه گفتند عهدترین خواست کارگران حول مساله دستمزدها بوده به این معنی نیست که خواستهای سیاسی و اعتراضات حول این خواست - وجود نداشته بلکه در بسیاری از کارخانجات گفته‌ها جهت بسج حول خواستهای سیاسی وجود داشته حرکات اعتراضی و اعتراضی صورت گرفته است. از جمله پس از خواست دستمزدها بهترین موارد حرکات اعتراضی حول خواست جلوگیری از اخراج همکاران پس بازگشت به کار کارگران اخراجی بود است. رژیم جمهوری اسلامی که پشت از هرگونه اعتراضی می هراسد و پناههای حاکمیت خود را کنترل می بوند، یکی از حربه‌های معمول سرمایه آرد در شرایط بحران اقتصادی و بیگاری گسترده یعنی اخراج رابه بهترین شکل ممکن بکار میبرد.

این حربه هر چند در سالهای ۱۳۵۱ تا حدودی کار آردی داشت اما رسال ۶۳ بعضی خود بد لاشده و خود یکی از عوامل نارضایتی و عکس العمل‌های مبارزاتی کارگران تبدیل شده است. پیوسته در کارخانجاتی که مبارزه حول جلوگیری از اخراجها بشکل یکپارچه و متحدی جریان یافته و رژیم را به عقب نشینی واداشته است. حتی گاه رژیم برای جلوگیری از حرکات اعتراضی و مساله اخراج آرد پیش طرح های ویژه ای طرح کرده که این حیل نیز کار ساز نبوده است از جمله در ذوب آهن اصفهان بعد نبال تعطیل طرح عمرانی کارخانه، طرح تعاونی کردن مطرح شد که با حرکت یکپارچه کارگران بخش ساختمانی ذوب آهن مواجه و رژیم رابه عقب نشینی واداشت. کارخانجاتی که اعتراض به اخراج یک یا چند کارگر و خواست بازگشت به کار آنها به اعتصاب منجر گردید عبارتند از:

کارخانه کفش جیل (۱۰/۱) در اعتراض به اخراج سه نفر، کارخانه شینمناز (۱۰/۱۰) کارخانه کاناد اد رای رشت (تورماه)، کشت صنعت کارون (آرد بیست) چوکاد رشت (ایانماه) پیروسی گاز آرد (ماه)، گروه صنعتی رنما (مهرماه)، جهت تهران و بهشهر (مرد آرد ماه)، فرش پارس استار لایست، مینو فولاد مبارکه و پارس‌تال، در مجموع مبارزه حول این خواست در حدود ۱۶٪ از یک خواست‌ها را تشکیل میدهد آرد است. از دو در خواست فوق کمیگزیم خواست های دیگری نیز از سوی کارگران مطرح محول آن حرکات اعتراضی و اعتراضی صورت گرفته است: بعنوان نمونه خواست کاهش ساعات کار (پیروسی گاز - جنرال پلاستیک) اعتراض به شرایط غیربهداشتی محیط کار و خواست بهبود شرایط کارزار جاپخانه مهرایران - نیروگاه اتمی اصفهان - راه آهن مرغه

اعتراض به ماند بازبها و اجاقفات سرسرت (بخش بخار چوکا)، اعتراض به انتخاب سرسیردگان بعنوان کارگرمونه ایران ناسینال، اعتراضی به همین سرسرت (تولید آرد) اعتراضی به کیفیت غذا (صنایع دفاع) و اعتراض به حجاب اجباری (بهسکوت گرجی) مخالفت با شرکت در جنگ ارتجاعی و انزاد اجباری (دروسازی سپنا) و بالاخره اعتراض به حضور رژیم وران و جاسوسان انجمن اسلامی و شوراهای اسلامی و خواست انحلال آنها (تربیتون) جزو خواستهای کارگران بوده است.

ب - خواستهای زحمتکشان شهری

خواستهای زحمتکشان شهری که حول آن اعتراضات و مبارزات آنان شکل گرفت و در سال ۶۳ ابعاد گسترده تری یافت محدود به موارد نکرده و در زیر می باشد و قطعاً ابعاد وسیعتری آرد و ما موارد زیر آرد گزارش آنرا دریافت داشته ایم ذکر می کنیم:

اعتراض به تخریب خانه‌ها توسط رژیم و ران رژیم آباد زرفشان از توابع اسلامشهر باغ فیض - قلمحسین خان - عبدالهادی (ساده) اعتراض به تخلیه آپارتمانهای - هادرای در تهران (آردی) و اعتراض به قطع آب و برق بندر پارس و آردک) اعتراضی بود هادرامجد به تهران در زمهرامهر آمانا - اعتراض به دستگیری های گسترده در شهرها بویژه در تهران و در رابطه با حجاب اجباری - اعتراض به کشتار مردم توسط پاسد آران (چالوس) اعتراض به کلاسهای اجباری آرد فولسوزی (معلمان زن ناحیه ۱۰ تهران) اعتراض میهنی بوسرمانان تهران حصارک به تحت پوشش شرکت واحد ترافیک رفتن - اعتراض گامیوند آران در بندر نوشهر به اجاقفات و نمایندگداشتن بهمن گامیون های دولتی و خمروصم در بارکسری، اعتراض مردم شمیران نو تهران جهت عدم دریافت سند خانه و بالاخره اعتراضات گسترده ضد جنگ که بویژه باشد به مبارزات در شهرهای مختلف ایران کمنجریه رگبری های گسترده با پاسد آران شد و بعد ستیزی های بسیاری انجامید. همچنین اعتراض د کد آران به تخریب دهکاهایشان کد رچند مورد بعد رگبری بهمن پاسد آران و کد آران رسامیت مردم از کد آران بویژه در تهران و سنج انجامید.

۲ - اشکال مبارزاتی کارگران و زحمتکشان در سال ۱۳۶۳:

الف - اشکال مبارزاتی کارگران

شکل عهد مبارزات کارگران در سال ۶۳ را اعتصاب تشکیل میدهد استواین آرد رقابسه با اشکال مبارزاتی آنان در سال های ۶۱ و ۶۲ نشانگر یک ارتقا کیفی در مبارزات کارگران می باشد.

در پیروسی سال ۶۱ و در کار شماره ۱۶ گفته بودیم که گسترده ترین شکل مبارزه در آن بقیه رصه

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

پورسی اشکال مبارزاتی ...

سال تحریم، تهیه طومار و ککاری بوده است که حتی بنا به اعتراف عوامل رژیم میزبان ککاری در تولید ۵۰٪ در سال ۱۳۶۱ بوده است. تاکنیک اعتصاب نیز کار گرفته شده بود اما در مقامیه با اشکال فوق در صد کتری را شامل می شده که عمدتاً نیز اقتصادی بوده است. مواردی از بکارگیری عنصر قهر و مجازات عناصر مزدور انجمن اسلامی در سال ۶۱ مشاهده شده و اما در بررسی سال ۶۲ عمدتاً در شکل مبارزه کم کاری بوده است. در واقع سال ۶۲ دوران فراوانی به اشکال عالی تر مبارزه کارگران ملی میزبان نیز از موارد تهیه طومار و مراجعه به مسئولین و بنحویه محسوس گشته شده بود. اما در سال ۶۳ شکل عمده مبارزه اعتصاب بوده است. این شیوه رشد یافته مبارزات کارگران که پس از سرکوب خونین ۳۰ خرداد ۶۰ تا کنون همسایه بقی بوده است ناشی از این امر بود که کارگران در سال ۶۰ بگروه عقب نشینی وقت را گذراندند و نتوانستند هیچ وسیله جهت اذیت نسبی مبارزاتشان بود که این دوره به صورت سپری شده و از اواسط سال ۶۱ تا اواخر سال ۶۲ بتدریج اشکال منطقی و تدافعی مبارزه میرفت تا جای خود را به اشکال تهاجمی دهد. بتدریج در سال ۶۳ اشکال تفرضی وجه غالب را بخود اختصاص داد.

اینکه عمدتاً در سال ۶۳، اعتصاب شکل غالب مبارزه را بخود اختصاص داد و در لایه و عوامل گوناگونی را می توان برشمرد که از آن جمله شکستن جو رعب و وحشت طلیفسم تدایم و تشدید سرکوب در سال ۶۳ نتیجه عبارت از بگر حربه سرکوب در بسیاری از موارد کارائی خود را از دست داده است. بحران عمیق اقتصادی، تورم انفاسرگسیخته و فقر و فلاکت عمیق و رشد آگاهی کارگران شناخت هرچه بهتر آنان از ماهیت حاکمیت بوده است. در بررسی در صد اعتصاب نسبت به بگر اشکال مبارزاتی طلیفسم معدود بودن گزارشات و اینکه قطعاً شامل کل موارد اعتصابات و بگر اشکال مبارزاتی نشده و اما در صد و گزارشات دریافت شده معدود ۶۳ در صد حرکات کارگری بصورت اعتصاب اهم از چند روزه، چند ساعته و یا حتی چند دقیقه ای بوده است. بهترین این اعتصابات که انعکاس وسیعی یافت و حمایت بسیاری از کارخانجات و بگر برانگیخت اعتصاب کارگران کانادای رای، اروپا و بخش ساختمانی و شیشوکاران بود که چندین روز بطول انجامید. در مجموع طی سال ۶۳ حد و بیش از ۱۰۰ اعتصاب کارگری گزارش شده است که قطعاً این آمار نمی تواند شامل کل حرکات اعتصابی سال ۶۳ باشد. از میان این اعتصابات که در

اکتوبر و نیز با پیروزی کارگران عقب نشینی رژیم همراه بوده است ماهه چند مسود از بهترین آنها اشاره می کنیم که عبارتند از: گروه صنعتی رتار شامل فرسیازی - راه پاتور سازی و زامیان (پرس کازل هرد و شیفیت)، پارس ختال، کت و صنعت کارون، فرش جم، بیسکویت گرجی، گاز آرد، فرش گلان، پلیس رشت، فرنخ، چاپخانه مهر ایران، کارگران راه آهن مرغه و سیمان آبیک، نیروگاه اتمی اصفهان، آزمایش و نوشیا، فرش پارس، مولن مکت و سارس الکتریک، جیت تهران و بهشهر، کفش ملی و ایران تایر، فولاد مبارکه، خود رو - سازان و ...

بررسی اعتصابات نشان میدهد که دامنه آن عمدتاً صنایع بزرگ و استراتژیک را در بر گرفته است و این خود بیانگر این واقعیت است که طبقه کارگر در مجتمع های بزرگ توان و قدرت خود را در بکارگیری این تاکنیک عمیقاً درک کرده است و این اعتصابات هرچند در شکل خود بخودی یا نسبی نتوانند بهترین زمینه شکل و پیوستگی را در میان کارگران مهیا سازد.

در مواردی تاکنیک تجدید به اعتصاب از سوی کارگران بکار گرفته شده که از جمله در بخش ریختهگری صنایع آهنی و تریتون بوده است. در بررسی سال ۶۲ هفته بودیم که یکی از اشکال مبارزاتی که وجه غالب مبارزات را داشت کم کاری بود که کم کاری در سال ۶۳ نیز ادامه یافت اما رژیم برای مقابله با آن به سیاستهای متفاوتی در کارخانجات مختلف روی آورد. فی المثل در بعضی از کارخانجات با کاهش تعداد کارگران پرسود ستگاهها و سرعت کشیدن بهشتین هاسمی کرد. با کاهش تولید مقابله کند که نمونه ای آن پارس ختال و بیسکویت گرجی بود. در مواردی به سیاستهای تنبیهی و تشویقی روی آورد مثلاً کارگران که کار اخراج می شدند و کارگران بگر یک روز مرخصی دریافت می داشتند و با جواز تز و پاداش ویژه برای افزایش تولید مطرح میگرد (تولید آری) که همچون سالیهای گذشته تاثير چندانی نداشته است و کارگران ناآنجا که امکان می یافتند بطور معمول از آن استفاده میکردند. فی المثل در رنیا و فرش گلان و رانندگان شرکت واحد وجه غالب مبارزه و اشکال مبارزه است.

از اشکال دیگر مبارزاتی میتوان از تحمیل (فروش گلان) در کمری باند پرمامل و تهیه (آر) چاپخانه وزارت و آرائی) در کمری یا سرپرست جنرال صنعتی) اشتهاء از خوردن فذ در اعتراض به کیفیت آن (صنایع دفاع) و پیوند رت تهیه طومار (پوشش گلان) را میتوان نام برد.

طی سال ۶۳ نوشتن شمار بر در پستور توالتهای بخش شبنامها و اعلامیهها بطور چشمگیری افزایش یافته بطوریکه مزدوران انجمن اسلامی در بعضی کارخانجات موظف به کنترل توالتهایشانند. این شمارها از

برگ بر خمینی و طرفدار ارتش تا شمارهای کمیتهای مخفی و شمارهای ضد جنگجو خواست سرنگونی رژیم نوشته شده است. در نیروگاه بزرگ اصفهان انجمن اسلامی د پواری را سفید کرده بود تا شمار بنویسد اما قبل از آن این شمار بر پواری نیروگاه منقر بست. جنگ جنگ کوهسوزی، ظلم و ستم امروزی، شده بدتر از د پواری. در جمع بندی از مبارزات کارگران در سال ۶۳، اگرچه شکل عمده مبارزه اعتصاب تشکیل میداد اما اشکال تدافعی و تدفعی مبارزه همچون تهیه طومار، مراجعه به مسئولین و کم کاری به اشکال عالی مبارزه که اعتصاب و خواباندن تولید است ارتقا یافته اما همچنان عنصر خود بخودی و هم سازمانی باقی و وجه غالب و خصمه بازان بوده است اما در همین حال برجسته ترین مشخصه مبارزات سال ۶۳ حمایت دیگر کارگران در صورت اعتصاب یک کارخانه بوده است.

ب- اشکال مبارزات زحمتکشان شهری این بخش از زحمتکشان که عمدتاً ۳۲ هزار میانی و فقیر خرد و بویژه ازی و اشکال میدهند طی سال ۶۳ بر شدت مبارزات و اعتراضات خود افزودند و در این میان مبارزات تدافعی زحمتکشان در شهرکهای اطراف و حاشیه تهران که اکتفا بخرد و بویژه فقر و کارگران را در خود جای داده است بسیار برجسته و قابل توجه بوده است. شکل فوری العاده و غالب توجهی از این مبارزات که در سال ۶۲ نیز در افسریه بکار گرفته شد ایجاد رابند آن بوده است. این تاکنیک که بهترین شیوه بخش حرکت اعتراضی در سطح وسیع بوده همواره با موفقیت نیز همراه بوده است. از بگر مشخصه های حرکت زحمتکشان آمار کمی قبلی جهت مقابله با مزدوران بوده است آنچه تهیه وسایل تدافعی از قبیل مقابله آشکارا با مزدوران و پاسداری از طرح شمارهای سنتیاً انقلابی که کل رژیم و رهبری آنرا بنویس سوال بوده است از بهترین حرکات بگر وجه سال گذشته حرکت اعتراضی مردم زحمتکش کسری آزادی و بستن تهران بود که در مقابله با تخریب خانهای صادره شده صورت گرفت و بهرامند آن چند ساعته در تهران بهشت ضجر گردید و رژیم را به عقب نشینی واداشت. همچنین تحمیل زحمتکشان در خیابان سه در اردیبهشت ماه سال ۶۳ در اعتراض به تخریب اجباری خانههایشان که بعد از ساعت خیابان سهرابستند و با موفقیت پایان یافت. تحمیل مردم زحمتکش بند در پلم در اعتراض به قطع آب و برق در مقابل شهرداری در تیرماه سال گذشته و رامند آن در خیابان که ضجر بعد زگری مردم با پاسداری از آن شد اما موفقیت خاتمه یافت. در اراک نیز مردم در آب و برق و بنظواهرات و بستن خیابان بقیه رصفحه ۴

۴۰ ساعت کار، دوروز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



انقلاب یا رفورم؟



انقلاب را از طریق یک ملاک کمی سنجین می‌کند .
 در ایران ، اینها "اکنونیکم" اکنون همان
 وظایفی را بر دوش می‌کشد که رساله‌های ۱۳۲۰
 بر دوش داشت و یاد رساله‌های ۱۳۵۰ .
 کوریم در بین نیروها تفاوتی است ، اما
 نه بر سر جذب قانون سرمایه ، بلکه بر سر
 اینکه باید ام جناح بورژوازی باید متحد شد
 و با عاشر ، زیر چتر که ام برنامه بورژوا -
 رفرومیستی باید قرار گرفت . حزب توده مدال
 راه رشد را بر سر این آن جناح از بورژوازی
 می‌کشد که با دولت شوروی کمتر خصمانه
 برخورد کند و در وجه نسبتاً خوبی از تجارت
 خارجی خود را به آن کشور اختصاص دهد .
 در عوض ، رنجبران آن جناح از بورژوازی
 را شرقی می‌شناسد و "پیشرفت جامعه را
 تحت زعامت خواستار است که روابط
 خصمانه تری با " دولت روس " داشته باشد
 و تابع درصد پائینی از روابط اقتصادی
 و گرنه هم این دو نیرو ، هم سایر
 نیروهای که به شخصیت‌های آنها اشاره
 کردیم ، همگی (اگرچه به درجات گوناگون)
 بر دوش رفورم ، بر سطر سرمایه‌داری و اتحاد
 با بورژوازی قرار دارند . البته اشکال قدرت
 سیاسی و جناح‌های آن بورژوازی که متحد
 حساب می‌آیند و اکثریت را از برنامه بورژوا
 - رفرومیستی که توده‌ها را باید بمنزله فرا
 خواند ، می‌توانند متفاوت باشند ،
 تمامی این اشکال یکی است ، چرا که
 " استراتژی " اپورتونیسم از نظم موجود قرار
 نمی‌برد . پس تحب اوریست ، حزب
 توده‌ای که جناح واقع بین حکومت شاه را
 می‌ستود و در جست نوازشی از اسرار هر چند
 حقیرانه ، بالاخره در آن قیام را بر سر ساند و
 اعلام کند که " جمهوری اسلامی استراتژی
 ماست " . و بعد خود را عوان و انصارش
 فرار سیدن " موقعیت های جدید " و باز
 - با تحلیل شخص از شرایط مشخص این
 " استراتژی " را به اشکال دیگری حکومت سرمایه
 اندم از جمهوری دموکراتیک اسلامی و یا ...
 تیری دهند . هر چند باید اذعان نمود که
 در بین نیروهای معتقد به انقلاب بورژوا -
 دموکراتیک و رهبری نیروهای غیر پرولتاری
 بر انقلاب کثرت‌نویسی از قدرت مانور () حزب
 توده برخورد آبروده است . و بهرحال برخی
 از این نیروها به شکل ویژه‌ای از سطر سرمایه
 داری در ایران معتقد بوده و تا کنونک‌های
 خود را بر آن اساس قرار داده‌اند . همچنین
 باید متذکر شویم که بحث کنونی همانگونه که
 قبلاً گفتیم بر بنیادی فصل مشترک هسته‌املی
 متد لوژی این نیروها در تبیین وظایف ،
 ضمن و نیروی رهبری کننده انقلاب است .
 بدین لحاظ ، تحلیل فعلی فقط روش‌منظری
 بقیه در صفحه ۱۱

رشد نیروهای مولده است . از بنشناستیم ،
 می‌رانیم ، گرایش سلط بر انترناسیونال دوم
 و بعد کاتولیکسم ، منشویسم و ... گرفته
 تا مکتب فرانکفورت ، " اروتونیکسم " ،
 جهانی‌ها و ... و هزاران کاملاً غیرانسان
 در ایران از حزب توده و اکثریت گرفته تا
 رنجبران ، اتحادیه کمونیستها ، شوروی متحد
 چپ و ... همگی بر دوش سطر سرمایه‌داری
 و باصلاح برای تعمیق زمینه‌های مادی
 تحول به سرمایه‌لیسم می‌چرخند . در اینجا
 زمان و مکان به نیتسی می‌آیند و باید بی‌ترکه
 بورژوازی برای نظامش می‌طلبد و مبارزه
 انقلابی پرولتاریا به مناظره‌اش می‌افکند ،
 اکنونیکم به نیتسی می‌آید .
 پس تمجب آور نیست که قلب اکنونیکم
 - در میان و زمانهای متفاوت - یکسان‌روی
 جذب قانون سرمایه می‌لرزد . بر بنشناستیم
 (نیمه دوم قرن نوزدهم) ، کاتولیک (اوائل
 قرن بیستم) و اروتونیکسم (نیمه دوم قرن
 بیستم) بزرگ طبل کوبیده‌اند . منشویسم
 ۱۹۱۷ در میان طبل کوبیده‌کننده ۱۹۰۰
 کوبیده بود . سطر سرمایه‌داری ، و ایضا
 سطر سرمایه‌داری از همان طرق شناخته
 شده قوانین حاکم بر رشد اولیه سرمایه‌داری ،
 بگذراند نمونه‌ای از این اکنونیکم را ارائه
 دهم . در سال ۱۹۱۶ زمانی که جنگ جهانی
 اجتماعی را در روسیه در آید بود ، دستک
 سلطنت در خطر قرار داشت و اختصایات
 کارگری انقلابی نوینی را آغاز کرده بودند .
 منشویسم ، برعکس منشویسم که از بحران
 ایجاد شد . مجتهد بیخ توده‌ها برای
 سرنگونی سلطنت و بورژوازی بهره می‌گرفت ،
 به راه‌های تعدیل بحران جامعه سرمایه
 داری می‌اندیشید . تا اینکه ، منشویک‌ها
 در یک سخنرانی خطاب به کارخانندگان ارها ،
 راه چاره را اینگونه توصیف می‌کند : " شما
 باید بخواهید که قدرت پرولتاریا که موجود از
 صحنه کنار رود ، و جای خود را به شمار مقام
 وزارت ساخت اجتماعی کنونی ، واگذار کند " .
 آخرین کلام ، چه در زمان رشد صلح آمیز
 سرمایه‌داری ، چه در زمان بحرانهای انقلابی ،
 سطر سرمایه‌داری است . نیروهای از این
 جریان در زمان رشد صلح آمیز سرمایه‌داری ،
 انقلاب را غرغره می‌کنند ، تا به هنگام وقوع
 انقلاب در کنار بورژوازی کمونیستی انقلاب
 بچندند . چنین بود عملکرد سوسیال
 دموکراسی آلمان پس از جنگ جهانی دوم و
 منشویسم در ۱۹۱۷ . صحنه از قبل آماده
 شد نبود . هنوز سرمایه‌داری باند از مکانی
 سطر نیافته است ، رشد نیروهای مولده کافی
 نمیکند . و این ملاک در جرح خود باند از
 کانی کشد ارادت تا به هر جامعه و هر مرحله‌ای
 از رشد انطباق باید . چرا که اکنونیکم

سعید سلطانپور در یکی از شهرهای
 میگوید :
 قلب جوان من
 مانند قلب قطب نمای ست
 که روی جذب قانون خاک می‌لرزد
 و در مناطق تاریک و خارخونیست
 همیشه در جهت انقلاب می‌ماند .
 اگر این قطعه در وصف اپورتونیسم راست
 می‌خواست سروده شود ، به چیزی نظیر
 قطعه زیر دست می‌یافتیم .
 قلب اپورتونیسم راست
 مانند قلب قطب نمای ست
 که روی جذب قانون سرمایه می‌لرزد
 و در تمام مناطق ، خار زردش
 همیشه در جهت رفورم می‌ماند .

چنین است جهت پایی اپورتونیسم راست
 که همواره بر دوش ارتحول گرانی آرام می‌چرخد
 و خار زردش رفورم را نشانه می‌گیرد .
 اپورتونیسم راست در جهت توجیه رفورم
 و گماندن انقلاب - در هر شرایط - در
 چارچوب توان بورژوازی ، نه تنها قوانین عام
 تحول از یک دوران بعد وراثی دیگر را در
 بعدی تاریخی - جهانی که بر اساس آن
 باید یک فرامسوی اجتماعی همه امکانات
 خود را برای رشد کثیف نیروهای تولید شان
 به انجام رساند ، باشد " تا به یک فرامسوی
 اجتماعی نوین بدل شود ، عیناً به کلیه
 جوامع صرف نظر از شرایط ویژه هر یک منطبق
 می‌گردد ، بلکه با چشم فریب‌ستیز بر تحولات
 تاریخی - جهانی و نیز تحولات هر جامعه
 شخصی ، همچنان از قوانین حاکم بر رشد
 اولیه یک فرامسوی - در تمامی پروسه رشد
 آن فرامسوی - دفاع می‌کند . از این نقطه
 نظر این جریان سوسیالیسم را بطور کلی نفی
 نمی‌کند ، بلکه عملاً فقط آن را غرغره می‌کند .
 به این معنا که برای تحول جامعه به سوسیال
 لیسم ، سطر کامل سرمایه‌داری و رشد
 نیروهای مولده ، متناظر بر آن شاه‌کوبد کبک
 انقلابی باشد ، صرف نظر از اینکه کدام جامعه
 با شرایط ویژه و تناسب قوای طبقاتی مطرح
 است و با درجه مرحله‌ای از رشد سرمایه -
 داری قرار آید و اساساً از نقطه نظر تاریخی
 - جهانی در گذر ام " عصر " زندگی می‌کنیم .
 لذا در طول تاریخ سرمایه‌داری ، این
 جریان اپورتونیستی صرف نظر از قالب‌های
 متفاوت و پوشش‌های رنگارنگی که بخود می‌گیرد
 و ادله ویژه‌ای که ارائه می‌دهد ، همواره
 در جوامع گوناگون در برهمه‌های مختلف
 زمانی و بر زمینه سطوح متفاوت توسعه سرمایه
 داری و رشد نیروهای مولده از نقطه نظر
 جهانی و چه جامعه‌ای خاصه آخرین
 تلاش سطر سرمایه‌داری و از این طریق

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

انتقاد و انتقاد از خود...

در روز جنبش چپ ایران بهر اوج یک فرهنگ غیرمارکسیستی انجامید و در میان طبقه کارگر و جوانان مدافع کمونیزم، شیوه تفکر و تفکر لژی خاصی را بنیان گذاشت که شمره آن چیزی نبود جز نومی و لنگاری، بی اصولی و لیبرالیسم.

کاملاً متفاوت یکی از وضعیت هر چند از وضعیت از موضع چپ، جنبش کارگری ایران را زیر ضرب گرفتند، اما تأثیرات یکسانی آفریدند. هردو و بنوعی مارکسیسم آکادمیک و لسکارو عایمان را در آن زدند. اولی بی بند و باری و لیبرالیسم را رواج میداد و دومی جزئی گرائی و تنجیر اندیشه را نتیجه یکی بود. دومی از اصول اخلاقی و رهنمودهای انقلابی و کمونیستی، تقویت و رشد تفکرات و گرایشات محفلی خود، بوزوئی.

سرنوشت محتوم هر دو، نیز همان لیبرالیسم بی بند و باری سیاسی ختم می شد. این تخرکات انحرافی، تأثیرات بلا واسطه خود را در تمامی سطوح و علی الخصوص در مده لژی و شیوه کار نیروها مدافع کمونیزم در قضا شدیدی می گذاشت. انتقاد و انتقاد از خود نیز مشابه یکی از بهترین وجوه و اسرار پیشبرنده و عنصر رشد و سازمان کوی تشکیلات کمونیستی، از این قاعده مستثنی نبود و گویا تحت تأثیر این انحرافات قرار میگرفت. اولی نتیجه گیری، دیگر فریبی و انتقاد ناپذیری را در آن میزد و دومی شوالیه گری، غالب سازی، خود فریبی و انتقاد پذیری بی محتوا و بی مضمون را. اولی که اساساً قصد تغییر و درگونی خود بیجامه را ندانست، همواره و پیوسته از انتقاد نسبت به خود و گروه خود طفره میبرد و دومی فقط به ظاهر و سطح می جسد و بیاید پرورش انتقاد ات مکرر و متوالی اما عاری از مضمون و بی محتوا، مدام مثل اسب عساری روی اشتباهات خود در جامه بزرگوگی، انقدر خود را اسیر ظاهر میساخت که توان نجات از چهار چوب تنگ آید نمی خود را که برای ظاهر سازی علیه خود آفرید، بود مطلقاً از دست میداد.

جنبش تفکری همیشه و همواره از هرگونه برخورد خلاقانه با مسائل باز میماند، به پاسیفیسم و انفعال می گرائید و توان تغییر خود بیجامه کاملاً از اوساط می گردید. چپ به راست می غلطید و سرنوشت آن در چار می شد.

هر چند در جنبش کمونیستی ایران، این دو گرایش رومیسنگ و نابودی نهادهاست و در میان کارگران کمونیست، دیگر کشی و گروائی ندارد، با این وجود اینها و انجاسا بسیاری از عناصر و بقایای این انحرافات به هم میخورد و بساخت جانی و سماجت بی حد و حصری به حیات خود ادامه میدهد. امروزه طبقه کارگر ایران بهر دو تا حزب

سیاسی خود را بسازد و امروزه طبقه کارگر ایران بهر دو تا حزب عسقی از آموزش های خلاق مارکسیسم لنینیسم، بورژوازی را از قدرت بهزیر بشکند و بنیانهای حکومت خود را استوار کند، جاد ارد تا هر آنچه که مهر کهنگی خود را است بهر ور افکند و شود و شیوهها و روشهای کمونیستی جایگزین هرگونه انحرافات گذشته گردد.

کمونیست ها باید در آموزش نین برخورد را در تمامی زمینهها از همه و هرگونه بقایای گرایشات انحرافی کهن برهانند. پس از اساس روش کمونیستی انتقاد شروع می کنیم.

انتقاد و انتقاد از خود به شیوه کمونیستی

هر بار که محبت از انتقاد و انتقاد از خود بمان می آید، بلافاصله این آینه در ذهن بسیاری از رفقای ما شکل می گیرد که بله، در یک تشکیلات کمونیستی، از ضعفها و خطاها نباید هراس داشت، ضعفها و اشتباهات فردی و تشکیلاتی را باید بی رحمانه بمان انتقاد گرفت. ماد قانه از خود انتقاد کرد، ضعف های خود را شناخت و در جهت تصحیح آن حرکت کرد.

این امر بی نفعه کار نا صحیح نیست. فقط باین شرط که بمشابه یک بدیل واکنشی و یک انعکاس صرف در برابر گرایشات نتیجه گرانه و انتقاد ناپذیری صورت رسد و از حزب نبرد، و بیساروی مافزار گرفته باشد. فقط بمان شرط که به ظاهر سازی و شکل گرائی نماند، چون در این صورت حتماً و قطعاً

به یک امر خود بخودی و عیناً به همان چیزی تبدیل خواهد شد که ابتدا از نظر گریزان بوده است و دقیقاً بهمین علت است که بارها به رفقای برمیخوریم که ضعف های خود را می شناسند، مدام از خود انتقاد می کنند، صادر قانه هم انتقاد می کنند اما همیشه همان

ضعفها و خطاها را که خود بهترینها را در برابر آن آگاهند در زمینه های فعالیت و حرکتشان تکرار می شود و باز هم تکرار میشود. این نمونه ای از یک بدیل واکنشی در برابر گرایشات انتقاد ناپذیری بوده و گویای این حقیقت است که هم این دسته از انتقاد کنندگان و هم رفقای کبر اینگونه انتقادات صحت می گذارند و آنرا می پذیرند و در صورت تکرار باز هم می پذیرند، هیچکدام در دست راست از مضمون واقعی انتقاد کمونیستی ندانند و علیهمد هم صراحت و صد اقی که در کار خود بکار میگیرند، هنوز قادر نیستند مرز بین صد اقی کمونیستی و صراحت خورد و بورژوازی را از یکدیگر تفکیک کنند.

هسته های کمونیستی با اجتناب از این روش، در هر امر انتقادی، قبل از هر چیزی باید به خود مساله انتقاد باید انتقاد کمونیستی بنگرند. باید مضمون کمونیستی انتقاد و انتقاد از خود را بشناسند. باید بداند که از چه چیزی و برای چه انتقاد می کنند و توجه داشته باشند که دید کامساک بر انتقاد،

وسيله ايست براي تغيير واقعيست. انتقاد ابزارى است براي تغيير روش، براي يكامل فکروشعور، انتقاد وسيله اى است براي نقى موجوديت کهنه و تکامل به وضعت جد پد. رفیقى که بارها به اشتباهات خود انتقاد می کند ولی مدام بتکرار همان اشتباه می پردازد، در حقیقت ارتباط ذهنیت و واقعیت را نمی شناسد. فردی است که ذهنیت و شعور خود را به بازی گرفته است، بدون آنکه عناصر تحول بخش واقعیت را بیاید و عوامل تغییر دهند و آنرا باز شناخته باشد.

وقتی می گوئیم انتقاد باید بمنظور برطرف کردن اشتباهات و خطاها و دستهای بهره حد های جدید صورت گیرد، هنگامیکه میگوئیم انتقاد باید برای تغییر واقعیت و وضعیتی موجود و جایگزینی وضعیت جدید انجام گیرد، وقتی می گوئیم انتقاد هدف خود را بگیرد و تجارب، ارتقاء آگاهی و تکامل شعور و بالا بردن توانمندی و تقویت اراده برای تغییر و تبدیل و تحول به وضعت جدید قرار میدهد، پس قبل از همه لازمست بگوئیم انتقاد باید از هرگونه برخورد شخصی مبرا باشد. البته ظاهراً این اصل پذیرفته شده است، از صفا همان دسته از رفقای که انتقاد از خود مکرر را به یک اصل بخواخت و خستگی آوردند بد کرده اند، شاید بیشتر از دیگران خود را به این امر پایبند می دانند، ولی صرف این پذیرش کافی نیست.

بیش شرط اینکه بد انیم چرا یک امر انتقاد را نباید به یک وسیله برای تصفیه حساب شخصی و گروهی تبدیل کرد، لازمست بد انیم اصولاً جزا و روشهای انحرافی انتقاد به امر شخصی تبدیل می شود.

همانگونه که می دانیم هدف کمونیستها تغییر جامعه طبقاتی از اشکال کهنه به شکل نوین و غیر طبقاتی است. هدف کمونیستها تغییر مناسبات اجتماعی است و بتغییر مناسبات و شخصیت افراد. چرا که حمله و خصوصیات فردی، خود در نتیجه تغییر مناسبات اجتماعی جبراً در کار خود خواهد شد. ولی این تغییر و بویژه در تبدیل از جامعه سرمایه داری به سوسیالیسم بصورت بلا واسطه و خود بخود بصورت نمی پذیرد، بلکه نقش شعور اجتماعی عنصر آگاه خود در نقاط مشخص به عامل تعیین کننده است. این تغییرات میدل می شود. پس کمونیست ها برای تغییر جامعه، نخست باید خود و عناصر شعور اجتماعی را تغییر دهند. باید نیروهای محرک و پیشبرنده، عناصر آگاه و کمونیست را بسازند. باید کارگران پیشرو و آگاه کارخانجات را سازمان دهند و پرورش دهند. حزب کمونیست بمشابه تشکل پیشتاز این تغییرات، نقش تعیین کننده ای می یابد. درست در همین جاست که نقش افراد و شخصیت ها، گاه آنچنان عمده می شود که دقیقاً می تواند در سرعت رشد ویا برگشت کند کندی حرکت این بقیه در صفحه ۷

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

انتقاد و انتقاد از خود...

در همینجاست که هرگونه درک انحرافی و برخورد شخصی، زمینه بروز می یابد و با درک انحرافی بحثیالات فردی امن زده می شود. اینجاست که در صورت وجود درک انحرافی از این تحولات، وسیله به هدف تبدیل میگرد و عجزمانند از حرکت عموستی تحول چه بسا بفراموشی سپرده می شود. فقط کافیت هر عنصر افع کونینیم برای لفظای هدف نهایی حرکت تحول بخش اجتماعی را زیاد ببرد تا این وسیله را برای خود هدو کند. تا برخورد های شخصی و یا گریهی را برای خود عمده کند تا خود را محور عالم ببیند. چنین افرادی از نظریه کونه فکرا ن تپی مغزی هستند که هیچگاه فراتر از تک بینی خود رانی نبینند. هر قدری را به یک عامل گویند و تبدیل می کنند و یا از هر انتقادی و گویند کی خود را بر داشت میکنند. برخورد کونینستبا با هیچکس و هیچ چیز برخورد شخصی ندارند. کونینست با تغییر و تکامل شعور و آگاهی افراد را برای تکامل شعور و ادبی اجتماعی ویرای تحولات مناسبات اقتصاد ای اجتماعی دنبال می کنند. کونینست ابرای نابوری استشاری جنگنده. کونینست ابرای حوطیقات، از میان برداشتن مالکت خصوصی بروسائل تولید و برای استقرار یک نظام عاری از طبقات مبارزه می کنند نه برای ضایع این فرد یا آن گروه. در راه و روش کونینستبا، برخورد های شخصی هیچ جایگاهی نداشته و مکان ویژه ای برای افراد وجود تمایلات شخصی وجود ندارد. اگر می خواهید بقایای این شیوه تفکرات انحرافی و روشهای غیر مارکسیستی را در نیرو های با اصطلاح چپ ایران بشناسید فقط کونینست بنیونهای ساده ای از برخورد نیروهای کمخود را مدعی مارکسیسم لنینیسم میدانند نظریه کونینست تا نیمه های پارتی آنرا به کرات و موارد متعدد مشاهده کنید. اگر حزب توده را بشناختن مظهر رویزونیسم و تنفر آنکترین مد افع و مدع گرایشات راست کنار بگذاریم، به بیگار برخورد می کنیم که بدام خود را مورد انتقاد قرار میداد بدون اینکه تأثیری در حرکت خود ایجاد کرده باشد و مانند راه کارگر مشاهده می کنیم که هر چند با گرایشات مائوئیستی مرز بندی شخصی دارد اما پیش از اینجاست است و هر سال هزار بار خود را با خاطر اود کی به انحرافات پوپولیستی مورد سرزنش و انتقاد قرار داده است بدون آنکه بیگار و برای همیشه بخود آمده باشد و با خود تمهین تکلیف کند و ببیند که بالاخره سرچشمه این انحرافات در کجاست و چگونه می تواند ریشه کن شود.

ظاهراً نقطه مقابل این جریان کومه قرار دارد که بمنحال خود از بدو تاسیس و جز شاهکارهای نیرغ آمیز و ابد لغات افنخاراکنیز، هیچ کم و کاستی نداشته و بمنحال خود بشناختن پرچم از نیروی باراه

و روش کونینستی سرازخم بیرون آورد است. با اینهمه طایفه تمامی اختلافات در سطح، اما در ضمن یک وجه اشتراک بازن بین این جریانات بوجشم میخورد. این وجه مشترک اینست که هر سه جریان پیش از آنکه بتفصیر تحولات اجتماعی و تأثیرات تجمعی خود بروند حرکت جامعه بنگرند، به نفاذ از محفل خود، گروه خود و توجیه خود می آید. حتی راه کارگر بهیستی از دیگران خود را بعباد انتقاد بر حمانصیبره، بجای آنکه تلاش داشته باشند راه و روش صحیح را از نقد خطاهای خود بیابند، انتقاد از خود را بمرتکبی تبدیل کرده است برای هر یک کوی از انتقادات دیگران، بهیستی وسیله ای برای نجات محفل خود، او از این انتقادات ابکی ابزار ساخته است برای حفظ وضع موجود و نه عامل تحول بخش آن. در جنبش کارگری جهانی نیز از این دست گرایشات محلی که از انتقاد حزبه ای ساخته می شود برای حفظ وضع موجود و منافع گروهی و محفلی، بکرات مشاهده می شود. برجسته ترین این نمونهها را می توان در ریشه تفکر و روش کار ترنوسکست مشاهده کرد. خود ترنوسکی بعنوان تئوری پرد از این گرایش در تمامی دوران انقلابات روسیه، خود را محور تغییر و تحولات بحساب می آورد و در نقد بلشویکها، علیرغم درک و آرزوی مسائل انقلاب، پیوسته خود را راهگشای حرکات پیروزنده پرولتاریای روسیه قلداد میزد تا جاتی که حتی بتصور خود چنین می پنداشت پیروزی انقلاب اکبر نه بر اساس خط مشی و برنامه بلشویکها تحت رهمنبر هاید اموانه نشون بلکه بویسای نقطه نظر اشتخسی او تحول پذیرفته است.

در مقابل هرگونه گرایش انحرافی، مانیفست حزب کونینست روش انتقاد کونینستی را شخصی می کند: "در جامعه پیروزی گذشته بحال حکمرانست در صورتیکه در جامعه کونینستی، حال گذشته - کب - خواهد شد"

مانیفست کونینست با این بیان، روشن میسازد که جز پرولتاریا که بر تغییر و تحولات اجتماعی اراده کرده و در جهت آن کامیگد اردد، همگی طبقات و اقشار اجتماعی فلاح حفظ شرایط موجود و وضعیت خود را مد نظر دارند. اولین و اساسی ترین اصل انتقاد کونینستی نیز می باشد "قطعا" در کونینستی و تحول را در نظر داشته باشد. مارکس در نقد انقلابات اجتماعی در هیچد هم پرولتاریای بنا پساتر می گوید: "انقلاب های پیروزی از نوع انقلاب قرن هیجده هم، بسرعت از بسک کامیابی بد کامیابی بر میروند، جلوه های شکوهند آنها یکی از بگری بیشتر است افراد و اشیا، کوشی در زیر تابش نور الماس قرار دارند، حالت جذبه تجلی روح هر روز است ولی این حالت مستحطل است. زود بمنقطه اوج خود میرسد و جامعه قبل از آنکه بتواند با سرهمنبار، ر آورد های دوران طوفان و هجوم خود را درک کند، بمخامری طولانی دچار میگرد. ولی انقلابهای پرولتاری یعنی انقلابهای قرن نوزدهم، برخسرمه ام از خود انتقاد می کنند، بی درین حرکت خود را

تصرف می سازند و به آنچه که انجام یافته بنظر می رسد باز میگردند تا بار دیگر از سر بگیرند. خصلت نپیند و جوانب ضعف و قوت را شهای اولیه خود را بر حمانه بعباد اینتیزا میگویند. دشمن خود را گوئی فقط برای آن بر زمین می بینند که از زمین نیروی تازه بگیرد و بار دیگر غول آسا علیه آنها قد برافرازد. در برابر هیولای مهیم هدفهای خوش، انتقیدر پس می نشینند تا سرانجام وضع بدید آمد که هرگونه راه بازگشت آنها را قطع کند بخود زندگی با بانک فرو نمند اعلام دارد. گل همینجاست همینجا برضی "جان کلام همین است. اگر شعور اجتماعی محصول زندگی اجتماعی است، اگر عنصر شعور در فعالیت عملی تقریباً از ابقا می کند، پس کاملاً روشن است انتقاد یک هدف فاحله است تغییر واقعیت های دست و پاگیر باشد، نمی تواند صرفاً به عنصر شعور شکی باشد. به عبارت ساده تر نقطه زیمت هر انتقاد باید از وضع موجود آغاز شود.

انتقاد باید از هر وضعیت به وضعیت دیگر مرحله تکاملی بگوید. مارکسیستبا بجای آنکه عوامل تحول بخش را در ذهن جستجو کند، عوامل محلی را بنا قرار میدهند. این فقط اید و آگیتساج است که با ذهن خود بعد نیال سراب تغییر واقعیت میگردند. این فقط منافذیسم ها هستند که تصور واقعیت هم توان تغییران وجود دارد. انتقادات بی درسی و بیحاصل که به هیچ عامل پیشبرنده ای بدل نمی شود، در قیام از زمین دیدگاه نشئت میگرد.

از یک مثال ساده شروع کنیم: این یک دیدگاه کاملاً "منافذیکی خواهد بود هرگاه رفقای کونینست تصور کنند هر رفیق کارگری که بمرگه مای پیوند نه حتماً باید از همان ابتدا یک کونینست تمام عیار باشد و منما همان خصوصیات و کارائی هائی را داشته که بقرقر از یک کار با تجربه و کارآمد انتظار میوز. در هر زمینه انتقادی و قبل از هر چیز باید روند تکامل و مراحل و پیشروی که یک رفیق کونینست با بخش از تشکیلات و یا کل جنبش کارگری را در بر میگیرد، توجه داشت. باید حسب حالات را در توانایی حرکت آنها مورد تصاوت قرار داد. باید ارتباط بین درجات رشد یک دیدگاه را مد نظر داشت. از همین روست که مارکس پیوسته این شیوه انحرافی را که بنا بر آن قوانین زندگی اقتصادی برای گذشته و حال یکسان تصوری شوند در می کند و برعکس بر این اصل تأکید میوز که هر دوره تاریخی معین و قوانین مخصوص خود را دارد. در هر قدری به این قوانین و این وضعیت حتماً باید توجه شود. این قانون از نقد یک هسته کوچک نقد یک عضو تشکیلاتی کونینستی تانقد یک جامعه صادر است.

مثلاً وقتی رفیق در هسته سرخ دچار خطاهای مدیده میگرد، با وظایفی به او سپرده می شود که قادر به انجامش نیست و یا ضعف هائی دارد که علیرغم قوتی به آن قادر به اصلاح کار خود نیست "حتماً" باید مسئولیتش در هسته تغییر کند و وظیفه ای

پخش نشریات سازمان در خدمت جنبش انقلابی

بناسبت اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران، رفقای بخش توزیع، فعالیت تبلیغی گسترده‌ای را سازمان دادند که با استقبال وسیع کارگران مواجه شد. در زیر نمونه‌هایی از گزارشات مربوط به پخش اطلاعیه سازمان بناسبت اول ماه مه را عیناً از گزارشات دریافت شده میآوریم.

۱- کارخانه صحافت سازی و باطری سازی

مناقص دفاع تاریخ ۱/۲۶/۶۴، تعداد اطلاعیه ۱۰۰۰ عدد، نوع اطلاعیه اطلاعیه سازمان بناسبت روز جهانی کارگر.

طرف سرویس‌ها حرکت میکردیم تا گمان یک از کارگران گفت: "از چهارونگاه کمین" بطرفی که اشاره کرد نگاه کردیم و اطلاعیه هائی را که پخش شد میبرد دیدیم بطرف اول می‌ها حرکت کردیم هر یک اطلاعیه‌های پخش شدیم. یکی از کارگران گفت: "زننده باد، مال چریک‌هاست، هرکس می‌سپرد اطلاعیه‌ای برداشته بخواند بعضی‌ها خیلی سریع یکی در جنب می‌گذاشتند و یکی را در دست گرفت و میخواندند در همین موقع سرویس که راه افتاده بود بعضی اینگونه جریاں شد و ندید عقب گرفت و یکی از کارگران پیاده شد و شروع به جمع کردن چندین اطلاعیه نمود و بر پشت ل‌آخل سرویس و راه افتادند. و نفر از کارگران که شاهد پخش بودند در باره نحوه پخش صحبت میکردند. در این موقع یکی از افراد انجمن اسلامی در حالیکه از دست در پشته که کارگری ساده بود قرار میگرفت با خنده‌ای بلند بمیاره کردن سه چهار اطلاعیه برداشت و دستش به او سپرد و یک اطلاعیه دیگر از روی زمین برداشت و رویه او کرد و گفت: "توقف بیا بخون بین چی نوشتی نخونده که نمیشه پاره کرد" فرد حزب الهی با حالتی که گوش مجاب شده با آگراه گفت: "خوب بخون ببین چی نوشته" بعد دستش شروع به خواندن کرد. اطلاعیه‌ها خیلی خوب پخش شده بود و در طول مسیر طولانی اینستا سرویس‌ها اطلاعیه‌ها بصورت پراکنده در هم جدا پخش میخورد. هرچه بیشتر به درب کارخانه نزدیک می‌شدیم تعداد پاره شده‌ها توسط مزدوران بیشتر بود. اما چیزی که جالب بود ریختن ترس کارگران از خواندن اطلاعیه‌ها بود حتی بصورت دستهای خند تاشی. کارگری را دیدم که در حال جمع کردن اطلاعیه‌ها بود. اول تصور کردم خیال پاردن در آنها را اردیبهرا ۱۰ تا ۱۵ اطلاعیه پخش شده بود اما خیلی خوب در سوار سرویس که در حال حرکت بود شد گویا بنماینده کسی از کارگران در رین سرویس دست به این کار زده بود.

همچنان و شوری که از پخش اطلاعیه‌ها بین کارگران ایجاد شده بود مزدوران انجمن اسلامی را به پشته و محبت فرور برد و بازنگه‌های پریده به کارگران نگاه میکردند کوشی سند مرگ خونین را در دستشان نگاه میدادند. و گزارش دیگری از همین پخش:

ساعت ۳ بعد از ظهر هنگام خروج کارگران از درب کارخانه تا گمان میان جمعیتی از کارگران که زود تر می‌روند بوده‌اند جنب و جوش مشاهده شد. اکثر کارگران اطلاعیه‌ها را برداشتند و به جنب می‌گذاشتند و عدای نیز با هم شروع به پخش کردن اطلاعیه کردند. پس از چند دقیقه از زمان پخش کمیته کسب رسید که دیگر اطلاعیه‌ای بر زمین نمانده بود. کارگری از هنگام پخش پرسید اگر اری یکی بمن بده. کارگر مد نظر گفت خودت برد اراه تعدادی از کارگران نیز در هر جمع شده بودند و در مورد اطلاعیه صحبت میکردند. صبح روز بعد یکی از انجمن اسلامی‌ها برای دستاورد جریاں پخش را تصرف میکرد یکی از آنها پرسید آیا کارگران اطلاعیه‌ها را بر میداشتنند. بی‌گفت همه بر میداشتنند منم حد در ۶ تا ۷ عدد را پاره کردم.

ساعت ۱۲ ظهر هنگام ناهار بیشتر کارگران صحبت‌هایشان حول پخش اطلاعیه و روز میزد. کارگری می‌گفت: "بگذاره شروع می‌شد انقلاب ۵۷ هم همین جور شروع شد، اول اطلاعیه و شعار و بعد...". کارگری گفت راستی اطلاعیه‌ها مال کی بود دستش جواب داد مال چریک‌های فدائی خلق بود، زیرش نوشته بود. ساعت ۳ بعد از ظهر (۱/۲۷) پخش روز بعد از پخش، ماشین کمیته که یک پژو سفید رنگ بود در کمین نشسته بود و افراد در رگوشه‌های خیابان به انتظار آمدن رفقا نشسته بودند. یکی از کارگران گفت: "امروز در پیروز پارویکین. اگر اون‌ها اینقدر ساده بودن که تا حالا وجود نداشتند."

۲- کارخاننپها (هلی کوپتر سازی)

تاریخ ۱/۲۶/۶۴، تعداد اطلاعیه ۵۰ عدد، نوع: بناسبت اول ماه مه اطلاعیه سازمان. عمل پخش با موفقیت به انجام رسید. کارگران گاملاً خوشحال بنظر می‌رسیدند و هرکس اطلاعیه‌ای در دست داشت، روز پس از پخش کارگران زاحم به اطلاعیه صحبت میکردند. یکی از کارکنان می‌گفت: "تمام بچه‌های سرویس‌ها اطلاعیه داشتند و یکی دیگر می‌گفت: "علا و میرا اینکه جلوی در اطلاعیه پخش کردند در خواب شرکت‌هم اطلاعیه پخش شده است چون بچه‌های آن قسمت هم

اطلاعیه داشتند.

یکی میگفت دیدی با خیال راحت آمدند پخش کردند و رفتند، البته آنها که اینکار را می‌کنند از جان گذشته‌اند چون اگر آنها را می‌گرفتند تنگ‌نشان می‌کردند ولی خوب حتماً مسلح و آماده هستند. در مجموع همه راضی و خوشحال بنظر می‌رسیدند.

۳- کارخانه دن پاکستر (فرآورده‌های تزیینی) تاریخ ۱/۳۱/۶۴، زمان ۳/۰ دقیقه بعد از ظهر، نوع اطلاعیه اطلاعیه سازمان بناسبت اول ماه مه، تعداد ۱۰۰ عدد. هنگام تعطیل کارخانه اطلاعیه‌ها پخش گردید. کارگران ابتدا متحیر مانده بودند ولی پس از چند ثانیه شروع به پخش اطلاعیه کردند و سوار سرویس‌ها شدند. تقریباً اکثر اطلاعیه‌ها پاره شده و بسیاری از کارگران اطلاعیه‌ها را در سرویس دست به دست میکردند. کارگران از پخش اطلاعیه‌ها ابراز خضوردی میکردند.

۴- راد پوالکتریک (فیلیس)

تاریخ ۱/۲۶/۶۴، تعداد اطلاعیه ۵۰ عدد، نوع اطلاعیه اطلاعیه سازمان. در ساعات بعد از ظهر بعضی دست کارگران اطلاعیه‌ها پخش گردید. یک دست قبل از درب ورودی و در مسیر پارک اتوبوس‌ها ریخته شده بود و بقیه جلوی درب سرویس‌ها و تعدادی هم در آخل سرویس‌ها ریخته بود. هر کارگری که می‌رسید یک اطلاعیه بر میداشت کارگر پرسید مال کیست و بلافاصله دیگری گفت مال چریک‌هاست و بطرف سرویس‌ها حرکت کردیم. مزدوران انجمن اسلامی نتوانستند کاری از پیش برند چرا که اکثر اطلاعیه‌ها پاره شده بودند. در میان کارگران تعداد کمی که بنظر کارمند می‌آمدند نسبت به اطلاعیه‌ها بی تفاوت بودند و فقط نگاه سطحی به آن میکردند. یکی از کارگران که حسود به آن سال سن داشت گفت: "مال کیست دیگری گفت مال چریک‌های فدائیه و سپس او اسه را اگر کسی خواهی بده بمن کارگردن کویر گفت بیایکیرمن خوانده‌ام توهم بگو بخوان. یک کارگر دیگر گفت: ببینید را در پوم دارد و چند نفر را در خود جمع کرده بود (توضیح اینکه در این اطلاعیه‌ها خط قرمز ساعت و طول موج را پوچاپ شده بود) تمام اطلاعیه‌ها را کارگران تقسیم کردند و اطلاعیه‌ها پخش شدند و صحبت در مورد آن بودند. در سرویس صحبت راجی به اطلاعیه بود صحبت از این بود که اینها چگونه جرات می‌کنند با بقدر صفحه ۱۰

کمیته‌های مخفی مقاومت راد ره‌شهر و روستا ایجاد کنیم

بخش نشریات

وجود اینجمله نیروی مسلح رژیم اعلامیه‌هایش می‌کنند. کارگری می‌گفت: "نه بابا آنقدر ها هم که فکری کنید شکل نیست حتماً حساب هم‌چیز را می‌کنند تا سلاشی چرکنند."

۵- کارخانه پارس الکتریک

تاریخ ۱/۲/۶۴، زمان ۴/۳۰ دقیقه
تعداد ۳۰۰ عدد، نوع اعلامیه: اطلاعیه سازمان بنسابت اول ماه مه.
در همین تعطیل شدن کارخانه عمل بخش صورت گرفت درحالیکه کارگران از کارخانه خارج می‌شدند، انجمن اسلامی یکسری از اعلامیه‌ها را که بطور دسته‌ای بخش شده بود جمع کرد و در جوی آب ریخت ولی بعد لیل اینکه مناطق دیگری نیز بخش شده بود مزدوران انجمن اسلامی نتوانستند از استقبال کارگران جلوگیری کنند. یکسری از کارگران گفت اعلامیه فدائی هاست. کارکن سنی آنرا که کارگران سوال کرد اعلامیه رایج بمبست و آن کارگرفت. نوشته‌است: "برجندخارجی". یکی از کارگران اعلامیه را برداشت و شروع به خواندن کرد و بعد آنرا تاگرد و در جیبش گذاشت. در تفرقه اعلامیه را خوانده بودند گفتند حالا این اعلامیه را چکارکنیم؟ یکی از کارگران گفت: "لطفاً آنرا بمن بدهید و سپس شروع به خواندن کرد. روز بعد در قسمت، همه راجع به بخش صحبت می‌کردند و اینکه اگر کارخانه را تعطیل کنیم رژیم چکار خواهد کرد. کلاً پس از بخش‌شادی شخصی در بین کارگران دیده میشد.

۶- کارخانه جیت ستاز

تاریخ بخش ۱/۳۱/۶۴، زمان ۱/۵۷ دقیقه
تعداد اعلامیه: ۲۰۰ عدد، نوع اعلامیه: اطلاعیه سازمان بنسابت اول ماه مه.

در ساعت ۱۶:۲ دقیقه بود که در جلسه کارخانه یک دسته اعلامیه بزمین ریخت و دو دسته دیگر رسوبی که سرورسپا استاده بودند بخش شد. کارگران پسوی اعلامیه‌ها رفته و تک تک شروع به پاره شدن آن نمودند. چند نفری یک و یک اعلامیه را برداشتم پسوی سرورس حرکت کردند. تعدادی از کارگران نیز در همان محل استاده بودند و مشغول خواندن بودند. در همین حین چند نفر حزب اللسی آمدند و شروع به پاره کردن اعلامیه‌ها نمودند و هرکس که در محل مشغول خواندن اعلامیه بود، اعلامیه‌ها را از دست آنان می‌گرفتند و پاره می‌کردند.

چند کارگر که در محل بخش اجتماع کرده بودند می‌گفتند: "آخه بشماچه مربوطه که پاره می‌کنید بگذرید بپنجم جمعی نوی نوشته. تو همه کارها در خالت می‌کنند که منظم‌شود افراد حزب اللسی بود (یکی از کارگران بمطول موج را در یوانشاره کرد و ساعت بخش را در یو که چند نفر دیگر نیز خواندن ساعات و طول ... دادند و باختند.

۷- کارخانه جیت ری

تاریخ ۱/۳۱/۶۴، زمان ۲ بعد از ظهر
تعداد اعلامیه: ۲۰۰ عدد، نوع اعلامیه: اطلاعیه سازمان بنسابت اول ماه مه.
همانوی همین در منطقه حاکم بود ولی محل توزیع رفقا آنجا هم سرچ بود که همه را مبهوت کرد. همه کارگران قصد سوار شدن بر سرورس را داشتند ولی عملاً "تفریق و سببی" بوجود آمده بود. صحبت بر سر این بود که چگونه بخش صورت گرفت. یک کارگر که ۵۰ سال سن داشت یک اعلامیه برداشت و گفت بابا مال جریکهای فدائی و بعد در جیبش گذاشت. چند کارگر جوان آنرا که کارگران دیگر که حدود ۲۰ سال سن داشت پرسیدند اینها را کی ریختند؟ او پاسخ داد و شادان گفت: "یو بزرگ بره‌ایم آورد است. در این هنگام یکی از حاضران انجمن اسلامی تعدادی از اعلامیه‌ها را پاره کرد اما اکثر اعلامیه‌ها را کارگران برداشته بودند. یکی از کارگران کارخانه جیت ستاز گفت: "آلایم بخش کردم و اند الان منطقه دست فدائیانست. دیگری گفت: "یکه در راه شروع می‌شود. در کل ذهنیت کارگران حاکی از اشتیاق آنها بود ریختن چنین اعلامیه‌ها می‌سوزد و استقبال آنها از اعلامیه‌ها ال‌توجه بود.

۸- کارخانه جنرال استیل

تاریخ ۱/۲۸/۶۴، تعداد و نوع اعلامیه: ۲۰۰ عدد اطلاعیه سازمان بنسابت اول ماه مه.

تقریباً تمام کارگران سوار سرورسپا شده بودند و چند نفری از آنها می‌ماندند که کارگران نیز از درب کارخانه در حال خروج بودند که دسته‌ای از اعلامیه‌ها جلوی درب کارخانه به هوا پرتاب شد. تالعاتی کسی توجه بخش نشد. بخش‌کی در صورت گرفته بود. یکی از کارگران بطرف اعلامیه‌ها رفت و اعلامیه‌ای برداشته و مشغول خواندن شد. یکی از کارگران در جواب کارگری که پرسید: "کی‌ها بودن" پاسخ داد: "بلند و درحالی که می‌خندید گفت: "مال مجاهدینه، دوباره پیدا اشون شد." کارگری که مشغول خواندن اعلامیه بود گفت: "نه بابا ما جریکهای سازمان جریکهای فدائی خلق. در همین حین تکبانات و عناصر انجمن اسلامی بطرف اعلامیه‌ها آمده و مشغول جمع کردن و پاره کردن آنها شدند. سرورسپا به حرکت درآمد و یکی پس از دیگری محل را ترک می‌کردند بدون اینکه اکثر کارگران توجه بخش شده باشند. یکی از تکبانات در حالیکه بعضی از کارگران را بطرف داخل کارخانه هدایت میکرد میگفت: "برو تو آقا، دم در نایست، ترورتون می‌کنن."

۹- کارخانه کانادای رای

تاریخ ۱/۲۸/۶۴، ساعت ۲ بعد از ظهر
تعداد اعلامیه: ۲۰۰ عدد، نوع اعلامیه: اطلاعیه سازمان بنسابت اول ماه مه.
بخش اعلامیه‌ها در سه نقطه صورت گرفت و به علت تراکم فوق‌العاده کارگران که از دو شیفت صبح و شب بودند هیاهو بخش به‌شاند. ماشینی که باخانواده‌هاش از منطقه عبور میکرد بعضی مشاهده بخش اعلامیه ماشین را متوقف

کرد و هم‌پسری گفت که از ماشین بیاده شود و اعلامیه برایش می‌بارد کارگران ابتدا متحیر شدند ولی پس از لحظه‌ای هرکس اعلامیه‌های برپا شد و سوار سرورس میشد. بعد لیل از حمام و انجام بخش تعدادی از کارگران جلوی درب کارخانه بمبست بود باختند. در درون کارخانه نیز تعدادی اعلامیه پاره شده بود و در همین کار صحبت بر سر آن بود. کارگری باالهیجه ترک نام جریکهای فدائی خلق را تحسین انگیز بر زبان آورد و با خوشحالی یاد و ستش صحبت میکرد. کلاً کارگران از توزیع اعلامیه استقبال کردند. عناصر انجمن اسلامی و حزب اللسی پشت خشمگین بودند و سعی داشتند اعلامیه‌ها را از کارگران بگیرند. اما کارگران بی تفاوت به این امر مشغول خواندن نمودند. تعداد معدودی اعلامیه توسط مزدوران جمع آوری شد. یک مزدور حزب اللسی می‌گفت: "چطوری این کار را کردید و باحالی قهرمانانه می‌گفت اگر من بودم حتماً یک کاری میکردم و کارگری که این سخن را شنید به او تسلیف نسبت به او بعد و ستش گفت بپنجم جمعی گوید.

۱۰- کارخانه شیشه و گاز

تاریخ بخش ۱/۲۸/۶۴، زمان ۲ بعد از ظهر، تعداد ۲۰۰ عدد، نوع اعلامیه: اطلاعیه سازمان بنسابت اول ماه مه.
هنوز از کارخانه بیرون نیامده بودیم که تعدادی اعلامیه روی زمین ریخته شده بود و تعدادی که زودتر بیرون آمده بودند در باره اعلامیه و نحوه بخش صحبت میکردند. تعدادی اعلامیه جلوس سرورسپا ریخته شده بود و از جیب تکبانات و انجمن اسلامی برداشته و پاره می‌کردند. سوار سرورسپا میشدند آنها را برداشته و با خود می‌بردند. تعداد اعلامیه‌ها کم بود و در نتیجه چون زود بخش شده بود نتوانست گسترده باشد. اما تعدادی از کارگران اعلامیه را برداشته آنرا بین کارگران تقسیم میکردند. کارگری می‌گفت: "حتماً کانادای رای را هم بخش کردم و بعد و ستش گفت بپنجم جمعی انجا می‌خبرانست. کلاً بخش اعلامیه تاثیر خوبی بر روی کارگران داشت.

۱۱- کارخانه شیشه موال

تاریخ ۱/۲۷/۶۴، تعداد اعلامیه: ۱۰۰ عدد، اطلاعیه سازمان بنسابت اول ماه مه.
چند قدمی بیشتر از درب کارخانه دور نشده بودیم که صدائی از پشت توچمان را جلب کرد. وقتی برگشتم تعدادی اعلامیه در اطراف درب کارخانه و تعدادی در هوا در حال پاشیدن بودند. در تفرات تکبانات بعد از دیدن اعلامیه‌ها بلافاصله سرورس را که اعلامیه‌ها بخش شده بود دنبال کردند. یکی از آنها گفت: "این پیکان سفید بود مشاهده می‌شد." ولوله خاصی بین تکبانات مشاهده می‌شد. ۴ - ۵ تایی از اعلامیه‌ها را که پاره کردند متوجه شدیم که بی‌حیث عمل می‌کنند چون هر یک از کارگران اعلامیه‌ها برداشته و روی لبه جدول کنار سرورس‌ها پرتاب و رصفه ۱۸



انقلاب یا ...

(مصلی) انحراف نیروهای این جریان را شخص میکند و اینکه این نظریه مبنای موضوع ضروریترین این نیروها را انقلاب گویی است همین و پس در اینجا وجه انحطاط نیروهای این جریان و پایگاه طبقاتی هر یک از آنها مورد بحث قرار گرفته است و از همین روست که در اینجا از جنبی مانعوی ارتجاعی چون رنجبران نیز نام برده شده است.

تحول گرائی و مبارزه طبقاتی

بهر حال، تقسیم که اپورتونسم راست برود از تکامل گرائی تد رجعی میجویند. بسط سرمایه داری و رشد نیروهای مولد و در همه جا، تحت هر شرایط و در هر زمانی و البته باقیه تحلیل شخص از شرایط شخص تا کنیک (و در واقع اهمیت امر استراتژی) این جریان است که بر ملاکی که استوار میمانند. پس، از بدگاه این جریان مبارزه طبقاتی پشابه "تنهایی نیروی محرکه تاریخ" میجویند. آیا این جریان بر مبارزه طبقاتی خط بطلان می کشد؟ پاسخ منفی است. اپورتونسم راست مبارزه طبقاتی را انکار نمی کند، لیکن "مبارزه طبقاتی" را برده گانه گرایانه می بیند. مبارزه طبقاتی به تنهایی وسیله واسطه از سطح توسعه سرمایه داری و رشد نیروهای مولد و تقابل می باید و بصورت گرائی این جریان کتحوالات تاریخی را همان محله میزند و آشکار مفهوم مبارزه طبقاتی نیز میگردد. در حقیقت، اپورتونسم راست نختنجا مبارزه طبقاتی را منکر نمیشود و بلکه این عامل در کنار عوامل درجه رشد نیروهای مولد قرار میگیرد و پیاپی به زمانه که پای عامل درجه رشد نیروهای مولد و در اثبات ضرورت بسط سرمایه داری بلنکند در محور استدلال قرار میگیرد که بهر صورت ضرورت بسط سرمایه داری اثبات شود. بدین طریق - و بطور کلی - رابطه ای که بین توسعه نیروهای مولد و مبارزه طبقاتی برقرار می شود تا مفهوم مبارزه طبقاتی نیز در آیه تکامل گرائی تد رجعی جای گیرد.

مارکس خود در نامه ای به وید میو در سال ۱۸۵۲ می نویسد که "نه کشف وجود طبقات در جامعه کوفی و نه کشف مبارزه میان آنها هیچگاه ام از خد مات من نیست. مدت ها قبل از من مورخین بورژوازی تکامل تاریخی این مبارزه طبقات و اقتصاد و آنان بورژوازی تشریع اقتصاد ی طبقات را بیان نموده اند. بطوریکه از گفتار مارکس نیز کاملاً مشخص است بورژوازی طبقات و مبارزه طبقاتی را نمی کند. مورخین بورژوازی تکامل تاریخی این مبارزه و اقتصاد و آنان بورژوازی تشریع اقتصاد ی طبقات را بیان می آورند.

اپورتونسم راست نیز این مبارزه را به رسمیت می شناسد. و بران بشود خود تکیه میزند و این شیوه مبتنی است بر مذهب و نمودن مبارزه

طبقاتی و با معیارت و بگریز روش مبارزه طبقاتی در چهار ضلعیات بورژوازی. هر چیزی که در آیه "مبارزه طبقاتی" خارج از توان پذیرش بورژوازی باشد با اندک چپ روی، سکتاریسم، آنارشیزم و نظایر هم محکوم میشود. چیزی که اپورتونسم "مبارزه طبقاتی" پشابه تنها نیروی محرکه تاریخ (را) در حقیقت با تنهایی بورژوازی "همبستگی" و "پیشرفت اجتماعی" جایجا میکند تا آن را در آیه تکامل گرائی تد رجعی بگماند.

بر اساس همین "نظریه بورژوازی همبستگی" و "پیشرفت اجتماعی" است که مبارزه طبقاتی اپورتونسم سیاست را هم شامل میشود. اما آن نوع مبارزه سیاسی که از سر ته آن زده میشود و بهرین پایه با مسائل زود گذر و آنی و مسائل غیر اساسی محدود میشود، چنین میگوید: "مارکسیسم هنگامی مبارزه طبقاتی را کاملاً تکامل یافته و سرتاسری میداند که نختنجا سیاست را در بر بگیرد بلکه ساله اساسی سیاست یعنی ساختمان قدرت دولتی را مطرح سازد. در باره دولت لیبرالی و مارکسیستی مبارزه طبقاتی - اپورتونسمها با یکی خود را از طریق ساختمان قدرت دولتی کنار میکنند (آنجان که وجه غالب این جریان در قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ بود) و با ساختمان دولتی را بشود اپورتونسمی یعنی در حقیقت برای تعمیق مناسبات سرمایه داری طرح میکنند (آنجانکه وجه غالب اپورتونسمی است). اما بهر حال که نظرات یکی است. مبارزه طبقاتی و بطور خاص مبارزه طبقاتی پرولتاریا باید مذهب است ایجاد زمینه مادی ارتقا مبارزه طبقاتی - یعنی بسط سرمایه داری - قرار بگیرد. برای تحول به سرمایه ایسم (بطور عام) لازست که مبارزه طبقاتی ارتقا یابد و از آنجا که مبارزه طبقاتی در بسط مناسبات سرمایه داری ارتقا می یابد، پس ضروری است که ابتدا سرمایه داری تمیق یابد. به عبارت دیگر مبارزه طبقاتی که تابع بلا فصلی از سطح توسعه سرمایه داری باشد، نیروهای مولد و انبیا می شود بمعانی کسی در تحولات اجتماعی بدل میشود. بدین ترتیب، مبارزه طبقاتی در آیه بختنظر به بورژوازی مبارزه طبقاتی - یعنی قبول آینه مبارزه طبقاتی در چارچوب نظم اجتماعی موجود - گرفتاری آید. در آیه درجه رشد نیرو های مولد و جهت تعیین ضامن انقلاب با مبارزه طبقاتی اپورتونسمی کامل میگردد. اپورتونسم مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در این آیه بسته محدود میکند. در حالیکه اپورتونسم مبارزه طبقاتی را در چارچوب نظم موجود، یعنی در چارچوب "مبارزه طبقاتی واقعا" محدود می کند، مارکسیسم مبارزه طبقاتی را تا قبول نظریه و پیکتوری پرولتاریا بسط میدهد. مارکس در همان نامه فوق الذکر می نویسد: "کار تازه ای که من کردم اثبات نسکات زمین است:

۱) اینکه وجود طبقات فقط مربوط به مراحل تاریخی همین تکامل تولید است. ۲) اینکه مبارزه طبقاتی ناچار کار راه پیکتوری پرولتاریا منجر میسازد. ۳) اینکه خود این د پیکتوری فقط گذاری است بسوی نابودی هرگونه طبقات و بسوی جامعه بدین طبقات. ۴) اینکه خود این د پیکتوری فقط از کونیمسم بشود خود، تا آنجا که طبقات آری مربوط به "سرمایه ایسم" است همانگونه که در مورد دورانهای مختلف تاریخی مطرح ساختنیم، وجود طبقات در مراحل تاریخی همین معتقد است. اما در مورد اینکه مبارزه طبقاتی ناچار کار راه پیکتوری پرولتاریا منجر میسازد، حرف وارد حرفهای اپورتونسمی - گفتیم که اپورتونسم بطور کلی تحول به سرمایه ایسم را رد نمیکند، اما فقط بطور کلی و در زمانی نامعلوم مثلا در هشتمین روز هفته و با فصل پنجم سال. اما امروز باسازم اپورتونسمی بهگونگی تحول به سرمایه ایسم چیست؟ ماهیت تمامی انبواغ مختلف با بخشهای اپورتونسمی (البته به درجات گوناگون) همان تحول گرائی تد رجعی است که خود را در رشد نیروهای مولد و بسط توسعه آن رشد تد رجعی مبارزه طبقاتی بازمی یابد. تراکم پورته کتیا حصول به سرمایه ایسم را ایجاد خواهد کرد. ماهیت کلیه با بخشها این چنین است، لیکن در همین حال تفاوتیاتی نیز مطرح است و تفاوتیاتی در عریانی با پیشه کی اپورتونسم و در وجه نزد بینی بحد به سرمایه.

بخشی از این جریان - اینکه مبارزه طبقاتی ناچار کار راه پیکتوری پرولتاریا منجر میسازد - را صریحا نمی میکند. این بخش تحول گرائی آرام در محیط مبارزه طبقاتی (و از آنجمله سیاست) رانیز بر سرده بر اساس تحول گرائی آرام تبدیل فرما میسازد اجتماعی به یک بگز فرموله میکند. اساس این تحول گرائی سیاسی را در مکرر اس بورژوازی (پارلمان) ایجاد میکند. تراکم پورته تزیاید از پارلمانی - سرمایه ایستی" اساس مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای کسب با اصطلاح قدرت سیاسی میشود. چنین است بهینش جناح راست سوسیال د مکرر اس بین الملل نوم، اپورتونسم کوفی و نیز بهینش که تحت عنوان "کد ارسالت امیز" برای کشورهای د آری د مکرر اس بورژوازی از طرف رونیو - نیم خورشیدی فرموله شده است. اما بخش دیگری از این جریان صریحا نظریه پیکتوری پرولتاریا را منکر نمیشود. از این انقلاب سوسیالیستی را انکار نمی کند. بلکه با اسب و اگرهای بسیار که با اصطلاح برآمده از تحلیل شخص از شرایط شخص است نظریه د پیکتوری پرولتاریا و انقلاب سوسیالیستی را به یک لفاظی تبدیل میکند. اما در عمل، تا کنیکنها، شماراها و خط ضعی این بخش بجای اینکه در راستای برقراری د پیکتوری پرولتاریا قرار داشته باشد، در بقید ر صفحه ۱۶

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

تظاهرات توده‌ای و...

ساله خرسبب نندی پیوسته پذیرش آلت - ناتوانی قدرت سیاسی و نیروهای سیاسی قابل اعتماد از سوی توده‌ها شده است. معذره و بی‌تشکیکی تری سازمانی نیز ارتباط با و عامل مهم پیوسته فوق سبب می‌شود که جنبش خود جوش توده‌ها به منحنی مجال استمرار پیوسته و تداومی و هدفمند یافته و انرژی توده‌ها بطور نسبی پهنیز مبرور .

فقدان عواملی که فوقاً به آنها اشاره کردیم و باضعیف بودن برخی از این عوامل ، در زمانی که بحران انقلابی تشدید می‌شود و شرایط عینی برآمد های توده‌های انقلابی می‌باشد ، بطور کلی نمی‌تواند سدی در مقابل انقلاب جنبش توده‌های باشند . انقلاب مبارزات کارگری و توده‌های در دو سال اخیر بیانگیزان و اقصیت هستند . طی دو سال گذشته ، با تشدید فلاکت عمومی و نیز کاهش جو روح و وحشت (با وجودی که ایجاد روح و وحشت از سوی رژیم ادامه داشت) و ارتقاء آگاهی توده‌ها شاهد روند صعودی حرکت‌های توده‌های بودیم . با بررسی حرکات انقلابی کارگری و توده‌های قابل توجه و موثر و تشویق حاکمه از قبیل تظاهرات افسریه ، تظاهرات آسجده به اعتراضات و دخانیات ، گمانه‌های وادوب آهن و بالاخره تظاهرات ضد جنگ در شهر های مختلف ، روند صعودی قوس مبارزاتی توده‌ها مشاهده می‌شود .

طی این مدت از فاصله بین حرکات انقلابی - تلنگرهای انقلابی - کاسته شده و هر جوشش انقلابی ، ضمن رار بودن مشخصات مورثی و جنبش قبلی ، خود در سطح بالاتر موقوع پیوسته است . بی‌وجود عوامل ذهنی که قبلاً به آنها اشاره کردیم به نقش و رسالتی رادار هستند ؟ وجود این عوامل از پهنیز رقت انرژی توده‌ها جلوگیری میکند . انرژی بالقوه انقلابی توده‌ها را در سبب انقلابی گانالیسزم می‌کند ، استمرار جنبش را (با توجه به وجود زمینه‌های عینی) قسوام می‌بخشد و ... و بالاخره پیروزی انقلاب در گرو آن است .

فقدان نسبی عوامل ذهنی فوق باعث میشود که در فاصله تک جوش‌های انقلابی ضد انقلاب حاکم ، با فرصت مناسبتری به بررسی وضعیت جامعه برای مهار کردن نیروی انقلابی توده‌ها بپردازد و احساسات راه‌های جدیدی برای بنوعی اینه‌اختن و یا ختنی کردن حرکات بعدی انقلابی را بختبره بداند (هر چند که این رژیم هم بدلیل ابعاد بحران حاکم پرچامه و هم بنا به دلایلی که در ابتدا ذکر کردیم ، توانایی چندانی در استفاده از این فرصت ندارند) . ولی بهر حال تصور اینکه این تک جوش‌ها (هر چند مهم) در شرایط فعلی همواره و بدون از هم گسختگی تداوم داشته باشند ، و این در مورد تظاهرات اخیر

ضد جنگ نیز صادق است ، توهی است که تبلیغ آن میتواند نتیجه عکس داشته باشد . عکس العمل توده‌ها در برابر مبارزات اخیر شهرها که بالاخره به تظاهرات ضد جنگ در بسیاری از شهرهای مبارزان شده انجامید ، با وجودی که یک سیر صعودی داشته ، در همین حال اثرات منفی فقدان تشکیک و نیروهای سیاسی انقلابی رهبری کننده و در ارتباط با آن فقدان پذیرش - مشخصه قطعی یک انقلابی توده‌ها قدرت سیاسی از سوی توده‌ها به روشنی خود را آشکار ساخت . بر اساس گزارشات مربوط به اجتماعات و حرکات توده‌های در مناطق مبارزان شده تهران ، می‌توان سیر صعودی حرکات توده‌های و اثرات منفی فقدان عوامل ذهنی فوق بر این حرکات را به شکل زیر توضیح کرد : در مبارزان های اولیه (ظرف ۲۰۰۰) در اجتماعاتی که در اطراف مناطق مبارزان شده بوجود می‌آمد ، حالت تاثر و ترس و بهت مسلط بود . توده‌ها به تیز حالت تماشاچی داشتند و اظهار نظر بر ماین جنگ بسیار محتاطانه و غیر مستقیم صورت میگرفت ، مگر در حالت تماسهای و تفری و تکب اطعیان از طرف مقابل که حزب اللهی نباشد . در تداوم مبارزات و بعد نبال پیروز تظاهرات در شهرهای دیگر تدریج اعتراض به جنگ و رژیم در جمع‌های ۳ - ۴ نفری گسترش یافته و از رجه احتیاط کاری دور قبل کاسته شده بود .

اگرچه مناطق مبارزان شده در محاصره باشد ازان و پلیس قرار داشت و مردم بخوبی می‌دانستند که رژیم جاسوسانی را به لباس شخصی به میان مردم فرستاده است ، اما ترس (ترس از رژیم) کمتر از قبل بود . اظهار نظر حول جنگ و رژیم مرتباً گسترش و مستقیمتر می‌شد . خشم توده‌ها آنگ می‌گرفت . اما چه باید کرد ؟ این سوال بین جمع‌های جزا از یکدیگر مکرراً تکرار می‌شد . میدانستند که باید اعتراض کنند ، اما چگونه ؟ یا کدام سازماندهی و تشکیلات ؟ اصلاً چگونه شروع کنند ؟ بعدش چه می‌شود ؟ و ... ؟ سوال های بی‌پایانی که پاسخ‌هایی برای آن نمی‌یافتند و با جواب‌های رتقایل با هم بی‌اثر می‌شد . تداوم مبارزات آنها اما بالاخره شرایط عینی تظاهرات را فراهم کرد ، بی‌آنکه عوامل ذهنی ذکر شده بران منطبق باشند . خشم شراک شد و با جرقه‌های منفجر شد . زحمتکشان کوی ۱۳ ایان به تظاهرات علیه جنگ و رژیم پرداختند .

نقصان شرایط ذهنی را به این ترتیب های مرکز را جبران کردند . اما این خود ، به حاصل نمی‌گردد جنگ و رژیم از سوی توده‌ها امن میزند و به بطور مستقیم . عامل اثباتی حرکت توده‌ها را باید به تشدید تبلیغات پسر امین الترناتیوهای موجود و انبساط واقعیت هر یک ، با توضیح اقصی در مورد الترناتیو انقلابی پرولتاریا که منطبق با خواستهای انقلابی توده‌ها است بر اساس تجربه و ذهنیات توده‌ها بدین آنکه بر اصول آن خدشه وارد شود ، با حضور و مبارزات آنها است که می

این مبارزات در جهت انقلاب ، عامل اثباتی حرکات انقلابی توده‌های را تقویت کرد تا اطل نفی کننده و اثباتی حرکات توده‌های در هم عین شود و دشمنان " مرکز برجنگ و مرکز جمهوری اسلامی ، برقرار با دجیبوری در مبارزات خلق ، تبلور کرد . از طرف دیگر همانگونه که ذکر شد بین تک جوش‌های انقلابی توده‌های - در شرایط کنونی - وقفه‌هایی وجود دارد این وقفه‌ها منب پیوسته کار سازماندهی توده‌ها می‌تواند از طریق کار تبلیغاتی (بخش اوزان تبلیغاتی ، شمار نویسی و ...) به جوشش بعدی پیوسته باید تداوم دارد های هر حرکت ، آگاهانه و در سطحی بالاتر در حرکات بعدی تبلور شود .

حال که نقاط قوت و ضعف جنبش توده‌های را خلاصه کردیم و در رنگی ترین خطوط خود به اعطک توجه به تظاهرات توده‌های اخیر مورد بررسی قرار دادیم ، بهینیم تأثیر این تظاهرات بر رژیم چگونه بود و عکس العمل رژیم در مقابل آن چگونه بود و چه صورت گرفت :

رژیم که در یکی دو سال پیش با هر مبارزاتی دستهای حزب اللهی را به منطقه مبارزان شده گسیل می‌داشت تا بنام مردم به سرخاک مردم شعار " جنگ ، جنگ ، تا پیروزی " را سر دهند ، پس از تظاهرات مردم در زول و عکس العمل‌های شدیدی که مردم بر علیه دستهای حزب اللهی و نمایندگان رژیم نشان دادند ، اینبار بدین سرورده سیاست محاصره مناطق تخریب شده را در پیش گرفت . در تهران و فقط بلند فعه رژیم خواست که از سیاست قبلی اش بهر بهره‌گیری کند (!) ده ای اوایش را به کوی ۱۳ ایان فرستاد تا شعار " جنگ ، جنگ ، تا پیروزی " سر دهند که مردم با بیاد نبالشان کردند . اساساً در مبارزان‌های اخیر ، رژیم حساسیت مردم و نفرت و خشمشان را نسبت به جنگ و خود شردن می‌زد . بدین ترتیب اقدامات رژیم ، اقداماتی پیشگیرانه بود . اما با وجودی که در مقابل تظاهرات شهرها سکوت کرده بود تا با اصطلاح اخبار مبارزاتی توده‌ها تشرکسترد نهیاد ، لیکن در مواجهه با تظاهرات تهران و جنبش شکست سکوت مجبور شد ، بلکه هراس و درماندگی خود را در مقابل جنبش توده‌ها کاملاً آشکار ساخت . بیخنان ضد و نقیض سران حکومت ، خود عزیز آنان را بیشتر ترسان داد . کمیته مطرح کرد قصبه قاچاق در بین بوده و در کوی بین کمیته و قاچاقچیان بوده است . شهرنانی و وزیر کشور مدعی شدند که مساله مربوط به مزاحمت جوانان ولگرد بوده که بعداً مختصر نفوذی گروهکیا از ارباب دست‌انداخت و اینکه ۳۰۰ نفر دستگیر شده‌اند . در ۱ اردی - بهشت نخستین مطرح نمود که در ماجرای ۱۳ ایان انگیزه سیاسی وجود نداشته و البته سه چهارم نفوذی دستگیر شده‌اند . در ۲ اردی بهشت ، بقیه دفعه ۱۳

جنگ ارتجاعی زحمتکشان میزاند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

تظاهرات توده‌ای و...

ساله جنسی بود ، اما هدف متالسیاسی و بالاخره خصمی نیز در ۱۶ اردیبهشت ساله را به آن مردها و انبیا که اسباب عیششان فراهم نیست وصل کرد .

اما ، اظهارات تحریف کننده سران رژیم که از سر استیصال صورت می گرفت و عکس العمل انقلابی بود و نه توانست جایگزین عکس العمل قاطع و برنده جمهوری اسلامی شود . تظاهرات موتوری پاسخ دندان شکن رژیم به تظاهرات توده‌ای بود و الحاق که هر دو طرز خاصیت توده‌ها و رژیم - برآزندی ، ماهیت و آینده خود را در تظاهرات اختصاصی نشان منعکس ساختند . تظاهرات موتوری بیانگر حقارت ، اشتغکی و آثار بی هیات حاکمه بود . رفسنجانی و زحمتکشان کوی ۱۳ آبان را " ده‌های الواط به اصطلاح سیاسی " معرفی کرد و نخست وزیر از آنها بعنوان " لاتها و چاقو کشها " نام برد . تظاهرات موتوری برای مردم روشن ساخت که " لاتها و چاقو کشها " چکسانی هستند . ولی تظاهرات موتوری کار ساز واقع نشد . این تظاهرات که در اصل برای ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه از یکسو و لوپ کردن تظاهرات توده‌ای از سوی دیگر برپا شد بهود بحد خود تید بد گشت و نه تنها حقوق مردم رژیم را بنمایش گذاشت ، بلکه تفسیری که در جو جامعه پس از تظاهرات توده‌ای ایجاد شده بود ، به‌اصطلاح جهت واگش نمود همسای نسبت به " متوسوران " تید بد شد محزاب الله در چندین محل مورد حمله انقلابی توده‌ها قرار گرفت که بارزترین آنها در جمهوری اتفاق افتاد . " حزب الله موتوری " که کارایی های درخشانی را در راپی تار رژیم از خود نشان داد بود ، این بار از کارائی افتاد . این شیوه مقابله با جنبش توده‌ها را یگونی توانست اثر داشته باشد ، چون علاوه بر آنچه تکرار شد خود می تواند زمینه‌ای باشد برای بروز آثار بی هیات حاکمه و تسویه حساب های درونی . در این باره در صحابه " روزنامه کیهان " سیاست نخست وزیر ، این سوال نیز مطرح شد که " بهر آرزو خنجر گروهکها به این تظاهرات برای بد نشان دادن آن ، همچنین به نظر می رسد که گروهی دیگر برای بی ثبات جلوسه دادن دولت و نا امن بودن جامعه فرار از این جریانات شده‌اند " . نخست وزیر جواب می دهد " بله حزب الهی هم خودش احساس میکند که یک جریان ضد انقلابی در پشت این قضیه وجود داشته باشد . سرمقاله اطلاعات ۱۸ اردیبهشت به این موضوع نیز اشاره میکند " بد بختانه در اینجا آنچه قبلا گفته می شد سه ساله بد نام شدن دولت و نیروهای انتظامی در این مورد خاص نیز پیش می آید زیرا هرکس از خود می پرسد ، چرا این جوان مهاجم توتور

سوار قوچی بدست راکه هم اکنون در ریسن محله سوری را در پیملکرد و تراشید رفت ، کسی دستگیر نکرد و نبرد تا معامم شود که آیا نفوذی گروههای سیاسی است یا " " بهر حال آنچه که از تظاهرات موتوری اخیر میتوان نتیجه گرفت این است که رژیم از یکسلاح مبارزاتی که قبلا " انراکرات بتاریبیرد محروم شد است حال برای سرکوب توده‌ها باید مستقیما " به نیروهای رسمی سرکوبگر سپاه ، کمیته و شهریارانی (تید گند) که این نیروها نیز در شدت گیری جنبش توده‌ای هم کارائی نشان و هم جهت گیری‌هایشان مورد تردید است . نشدند به مبارزات و تظاهرات توده‌ای بر علیه جنک ، و جمهوری اسلامی بمنطقه ضعف دیگری از رژیم نیز اثر گذاشت و آسیب پذیری رژیم را در این نقطه نمایان ساخت . این نقطه ضعف را تضاد بین جناحهای حکومتی بهرامون چگونگی سرکوب قطعی جنبش توده‌ای و تشبیه حکومتی تشکیل میدهد . در اینجا نیز جنبک نمی توانست بعنوان یکی از مسائل اساسی که سر نوشت سیاست هیات حاکمه در سرکوب قطعی جنبش توده‌ای و تشبیه حکومت را رقم میزند ، عملکردی نداشته باشند ماقبل " در فعالیت کار بهرامون روئنه های جنک ظل تده اوم آن و بن بست جنک بکرات سخن گفته ام و در اینجا از تکرار آن سر فزونی کنیم . فقط یاد آوری می نمایم که در کار ۱۸۳ مطرح نمودیم که " موقعیت هیات حاکمه در پایان دادن به جنگ رژیم واقعا " یک توازی کامل است . اکنون ، جنک و صلح و هردو ، برای رژیم یک شکست تمام عیار است . رژیم ، نه می تواند بجنبک و نه میتواند صلح کند . برای رژیم ، جنک و صلح تضاد و تشبیه خود کسی است . پس نه جنک و نصلح . اما این سیاست برزخی نیز نمی تواند تا ابد ادامه یابد . بسزج شکسته میشود ، اما راهی جز جنبش وجود ندارد " . تشدید مبارزات و تظاهرات توده‌ای ضد جنک شکار بین و خط سیاسی درون هیات حاکمه برای شکستن بن بست جنبش را تراختر نمود ، اگرچه سیاستی که بر حفظ وضع موجود یعنی تده اوم جنک اصرار دارد و هرگونه تغییر و روی تغییرات جنک را مترادف با فروپاشی کل رژیم ارزیابی میکند ، هنوز دست بالا را در هیات حاکمه دارا میباشد ، لیکن خط سیاسی دیگری نیز که شکستن بن بست جنک ، را وابسته به آغاز مذاکرات برای برقراری صلح - صلحی که بتواند بقای رژیم و سرکوب توده‌ها را همراه داشته باشد - می کند ، مرتبا " بر اساس شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه (بیجهان) بر فزونی آفزونده میشود . تظاهرات توده‌ای ضد جنبش فرصتی بود که این خط سیاسی خواهان صلح ، فشار بیشتری را بر خط سیاسی دیگر وارد کند (همان فشاری که بازگان وارد میکند و وسیله سیاست صلح اکثریت و راه کار تکمیل میشود) . بدین ترتیب ، برخی از تبلیغاتی که در مورد دستاوردهای دیپلماتیک ایران در سازمان ملل پاره

افتاد ، ساله جعلی بودن يك فیلم که در تلویزیون ایتالیا پخش شد و رآمد بود ، در صدر اخبار قرار گرفت و سازمان ملل بعنوان يك میانجی برای توده‌ها تبلیغ شد . خط سیاسی حفظ وضع موجود - تده اوم جنک - این کشایش های دیپلماتیک را خوش آمد گفت تا شاید روزی که بقا " جز در صلح نباشد از آن بهره بگیرد . لیکن شکار درون هیات حاکمه که در اثر مبارزات هیات های تظاهرات توده‌ای صورت گرفته و وسیع تر شود ، نقطه ضعف بحساب می آید که میبایست هرچه زود تر با اصلاح ترمیم شود . خصمی در چند سخنرانی به حفظ صلح حمله کرد تا شاید وحدت هیات حاکمه را محفوظ بدارد . اما آنچه که بهر حال در اینجا مطرح است اینست که است که بعلت ترکیب و ماهیت هیات حاکمه در صورت تشدید جنبش توده‌ای ، مانع بایک ضد انقلاب ، منسجم بلکه با ضد انقلابی که شکار بر میدارد ، و تکه تکه میشود رو برو خواهیم بود .



مرگ بر جنک ،

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

پروسی اشکال مبارزاتی ...

مبارزات کردند که منجر به رگبری مزدوران پانزدهم گردید. در دولت خان، مسون آباد، اسلامشهر، قلمحسین خان، عبدل آباد جاده ساره نیز زحمتکشان در مقابل هجوم مزدوران جهت تخریب منازلشان به مقابله آشکار با مزدوران پرداختند و با استفاده از چوب آنان را وادار به فرار کردند. در موارد بسیاری مرد زحمتکشان در دفاع از تخریب رگها و حمایت از رگدگان زحمتکش به مقابله آشکار با مزدوران رژیم پرداختند که در مواردی به رگبری آشکار منجر گردید.

مقاومت و مبارزه با رژیم گاه بصورت مبارزه منفی بروز کرده است از جمله مثلا تا کسرها ان اکثر از سوار کردن افراد و پیشرو زینسای حزب کمونی و اخوند هاشمیت خودداری می کنند.

گاه مبارزات در حرکات روزمره بصورت خود بخودی اما یکباره بروز می کند. مثل در نمایش فیلم میرزاکیلیان وقتی هنریشه گفت هر چیزی بد بخنی در ازم از دست ملا هست جمعیت یقیناً افراد از صبح است صبح است بطوریکه چنان سینما از طنین فریاد مردم به لرزه درآمد. همچنین تحریر برنامه های نمایش رژیم از جمله برنامه الملکین به مناسبت هفته جنگ آنتنان بنا و رشک کتک موله شد که ساجد ناچاراً با صدای بلند کوه این شکست متضمانه خود را بپوشاندند. مبارزه در سطوح ادارات همچنان بشکل کپکاری گسترده و برنامه های جوب گفت و ... ادامه یافته است اما ابراز مخالفت با رژیم بصورت وسیعتری مشاهده می شود. در سطوح آرس در سال ۶۳ یک جنبش و شور و شوق انقلابی مشاهده شده است. طی سال گذشته در چندین مدرسه تهران رگبری با ستولین امور نهی و تنبیه آنان و حتی اعتصاب جهت اخراج این مزدوران مشاهده شد و است. بهمان شمار ونوسی نیز مراتب افزایش یافته عناصر مزدور انجمن اسلامی شدیدی افزونی نه اند. علیرغم غالب بودن عنصر خود خودی در روز مبارزات زحمتکشان شهری، ما در همین حال در ضمن شمارهای طریقه از سوی زحمتکشان ارتقا نسبی مشاهده می شود. همچنین در آنجا که فشار فقیر خود مبروزی در حرکات و اعتراضات شرکت داشته اند، مبارزه در اشکال تهاجمی بیشتری بکار گرفته شده که از آنزود یکی می شوند است که این فشار مکارگران دارند زیرا که بویژه در شهرهای زحمتکش نشین توده کارگران و خرد و مبروزی فقیر زندگی می کنند و ریدیه محافظه آری کتر برانان مستول است.

۲- مقایسه مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان در بخش مربوط به اشکال مبارزاتی گفتیم که شکل عده مبارزه کارگران طی سال ۶۳ اعتصاب بوده است. با مال مبارز مکارگران هم به دلیل وضعیت طبقاتی و هم به لحاظ شرایط هستی که مبروزی آنان را مجتمع ساخته است - و هم از این لحاظ که تا حدودی به منتق خود در تولید می بردند، اساساً از استمرار و یکپارگی خاصی برخوردار است. بویژه در مراکز از تولید که کارگران قدیمی و با تجربه حضور دارند، این امر با توضیح بیشتری خود را نشان داده است. حال آنکه مبارزه با فشار خود مبروزی در صورت حرکات جبهه وار و طیفیانی بروز کرده و سرعت نیز فروگوشی کند. هر چند که منصرف مبروزی در مورد زحمتکشان فقیر شهری بسیار بازر و قابل توجه بوده است اما به دلیل وضعیت منفی برانگیزی و طرح خواسته های آتی عدم استمرار در تپسود یک مبارزه یکپارچه و بهم پیوسته سراسری نمی تواند از استمرار لازم برخوردار باشد. خرد و مبروزی به همان نسبت که سرعت پیشرو و هیجان میاید همچنان سرعت نیز دچار یاس و سرکوفتی میگردد. تنها پیوند این مبارزات با مبارزات کارگران و مبروزی این مبارزات از سوی طبقه کارگران که اقتدار مانی بهائینی خرد و مبروزی را نتوانستند به خواست بهائیان رهنمون خواهند ساخت.

۴- اشکال سرکوب رژیم در سال ۶۳ با آن گوری مبارزات کارگران زحمتکشان که خود محصول رشد آگاهی آنان بوده است، رژیم به ازاترین شکل ممکن و فاشیستی ترین نوع سرکوب تپسود شده است. در سال ۶۳ علاوه بر ارگانهای عینی سرکوب نظیر گشت های رنگارنگ، بطور رسمی سازمان جاسوسی رژیم که با بازسازی سواران رژیم شاه و ادغام بخش اطلاعات سیاه به آن تحت عنوان وزارت اطلاعات شروع بکار کرد و سیستم های پلیسی سیاسی و تحقیق و مراقبت های طولانی بکار گرفته شد. در این رابطه ارگانهای جاسوسی در کارخانجات ادارات و مدارس ... نیز اطلاعات دریافتی را به این ارگان سرکوب منتقل میسازد. به همین جهت در کارخانجات دستور العمل های شداد و بلاطی در مورد گزارش حسی مخالفت های لفظی صادر شده است. در سال ۶۳ همچون سالهای پیش حتی با شدت بیشتر از اجابا بهائیک از وسیعترین اشکال سرکوب بکار گرفته شد که در موارد بسیاری توام با دستگیری کارگران بود. گسترش ارگانهای پلیسی در کارخانجات و شناسایی و دستگیری کارگران پیشرو و مبارز و حتی در بدین آنها همچنان رواج داشت. علاوه بر بعضی بویژه حرکات اعتراضی و با اعتصاب، سرکوب آشکار و محامیه کارخانه و کشتار کارگران به اجرا در میآید. و حشمانترین سرکوب ها در سال ۶۳ در کاناد اداری و شیشه و گاز و

نساجی اصفهان شاهد شد که بعد رگبری وسیع و مقابله قهرمانانه کارگران با پاسد اران جنایتکار انجامید و طبقه کارگر کشید او اسرای بسیاری تقدیم انقلاب کرد. اما همین شیوه های سرکوبگرانه بین آرزوی کارگران و آیه این واقعیت آگاساخت کمبودی تنگاتنگ میان سرمایه داران و رژیم حامی آنان وجود دارد. بی جهت نیست که طبقه کارگر ایران تحقیق خواسته های انقلابی خود را در سرکوبی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی یافته است.

در مورد زحمتکشان شهری عده دشمنین شکل سرکوب حرکات اعتراضی و گشت سار و حشمانه و محاصره توده های معترض و جهت جلوگیری از انتشار حرکات اعتراضی بوده است که گاه در روش امت حزب اله مسلح و گاه توسط پاسد اران عینی ادامه در هر حال با مقاومت و مقابله یکپارچه توده ها مواجه شده است.

۵- جمع بندی و نتایج چند هدف از بررسی فوق دستنمای به درکی عمیق از روحیات و سطح مبارزات کارگران و زحمتکشان و میزان رشد ارتقا مبارزات، شناخت نقاط قوت، ضعف، بالاخره وظایف پیشرو در شرایط کنونی است. علیرغم محدودیت گزارشات نسبت به کل حرکات و مبارزات توده ای، می توان به مراتب این واقعیت را اعلام نمود که در سال ۶۳ اشکال ارتقا کثیف در مبارزات و اعتراضات توده ای بروز کرده است. افزایش اعتصابات و طرح مطالبات عمومی از سوی کارگران رشد آگاهی و افزایش درخواست های سیاسی از جانب دیگر زحمتکشان، افزایش ناراضی عمومی و اعتراضات همه اقشار جامعه این واقعیت را که ضابط ترین زمینه جهت سازماندهی این مبارزات و ست و سود آن آنها بسود یک اعتصاب عمومی سیاسی و تمام سلحمانه آماده است به اثبات میسازد.

اکنون توده ها بیش از هر زمانی آماده مبارزه و شتاق سازمانیاتی هستند. آنها دریافتند که جز با سرکوبی رژیم هرگز به خواسته های بحق و عادلانه خود دست نخواهند یافت. زمینهای اتحاد و همبستگی سرعت در توده ها و بویژه کارگران شکوفا گشته است اما علیرغم آن هنوز وجه غالب مبارزات بصورت خود بخودی صورت میگیرد. باید به تبلیغ وسیع برنامه انقلابی سازمان در میان کارگران و زحمتکشان پرداخت و حول برنامه انقلابی توده ها را شکل کرد و سازمان داد.

باید طبقه کارگری از پیش به نقش پیشتازی خود پی برده و ابتکار عمل را در دست گیرد. نیروی لایزال پروتاریا را قادر راست جرخهای زندگی زنده و اقتصاد مصیبت زد و جمهوری اسلامی را بکسی از حرکت بازدارد و انقلاب را با کاپلی استوار به پیروزی قطعی رساند.

کمیته های مخفی مقاومت را در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

انتقاد و ...

به اوسیره و شود که در حد توانائی باصلاحیتش باشد. در عین حال که باید به او یاری رساند تا در مراحل بعد و طی یک پروسه حرکت، بر ضعف های خود چیره شود و آنرا به نقطه قوت خود تبدیل کند. این امر میسر نیست مگر آنکه هسته یا ستونین بالاتر هسته و ضمیمه کار و میزان توانائی و خصوصیات فردی او را بشناسند. نقاط ضعف و قوت او را بداند و از محیطی که این رفیق در آن پرورش یافته و یا به فعالیت در آن مشغول است، شناخت کافی داشته باشند. آنچه در این مورد از همه روشنتر نظر میسرست، این است که قوتی این رفیق به ضعف ها و اشتباهات خود، یک آگاهی کاذب است نه واقعی و مبتنی بر شناخت اصولی و کامل از وضعیت خود.

منظور از این مثال، بهترین نمونه تفکر و تئورسی است که در هر باید و انتقادی می باید پرورین کار ما حاکم باشد. این مثال در بسیاری از موارد دیگر از جمله در شیوه نقد سوسیالیستهای تخیلی از جامعه در قرن هفدهم و هیجدهم عیناً صدق می کند. بسیاری از سوسیالیستهای تخیلی و علویم صد اقل از ایمان به خواستهای زحمتکشان جامعه تغییر و تحولات اجتماعی را با تحقق شعار آزادی، برابری و برادری قابل حصولی دانستند. بدون آنکه از رعایتی حرکت تاریخی و تصور روشنی داشته باشند. موضوع از زاویه دیگری باز کنیم: وقتی می گوئیم در هر انتقادی باید در درجه اول به خصوصیات و قوانین تاریخی حاکم بر هر پدیده توجه داشته باشیم به این مفهوم است که بدانیم انتقاد صرفاً برای نفسی صورت نمی گیرد بلکه اساساً وجه اثباتی قضیه را باید مد نظر داشته باشد، حال این پدیده چه یک جامعه که منتهی باشد چه یک استراتژی و تاکتیک ناصحیح و چه اصلاح اشتباه امیزه رفیق هسته کمونیستی. در اینصورت اگر نقد مارکسیستی جامعه بورژوازی یعنی مبارزه برای استقرار سوسیالیسم، نقد اصولی یک تاکتیک یعنی پیش رو نهادن یک تاکتیک اصولی تر و نقد یک عمل اشتباه امیز هم یعنی پیش رو نهادن یک راجع علی در مقابل آن.

زمینه هایی که برشمرده هر چند مقلوهای متفاوتی هستند که طبعاً نقد خاص خود را می طالب و راجع های متفاوت خود را دارند، اما پدیده گاه حاکم بر نقد این مقلوالت، پدیده گاه احدی است که در تمام این نمونه ها باید عمیقاً به آن توجه کرد. خود جامعه را در نظر بگیریم؛ نقد مارکسیستی جامعه بورژوازی یعنی سوسیالیسم یعنی مبارزه برای استقرار سوسیالیسم ولی آیا این معنای نفی تمامی دستاوردهای بشریت است که بسیاری از آنها در همین جامعه بورژوازی بدست آمده است؟ مسلماً پاسخ منفی است. در نقد سوسیالیستی جامعه بورژوازی،

تنها آن چیزی نفی می شود که ضمن بورژوازی داشته و در خدمت حفظ سلطه طبقه سرمایه دار بر جامعه قرار دارد. دستاوردهای علمی، تکنیکی و فرهنگی مترقی بشریت تنها نفی نمیگردد بلکه در خدمت نظام نوین قرار میگیرد. به همین دلیل است که هر چه سرمایه داری در یک کشور متکاملتر باشد، هر چه انحصارات متمرکزتر باشند، گذار به سوسیالیسم سریعتر خواهد گرفت. فقط کافیهست مدیون انحصارات به دست شورای حاکمیت کارگری بفتند و مالکیت تولید به اجتناب و آگاه ارشود، تا گذار از جامعه کهنه به جامعه نوین صورت پذیرد. اما در آن خرد بورژوازی نیست یعنی جامعه بورژوازی چنین نیست. خرد بورژوازی - ضدیت با جامعه سرمایه داری با یک شکل انحصاری تولید را به ضدیت با تولید تبدیل می کند و به دشمنی شخصی با ماسین و شکل متمرکز دولتی میسرست.

برجسته ترین نمونه های این تفکر باز همان سوسیالیستهای تخیلی بود که مدعی تولید جامعه بورژوازی را کمن های دهقانی اولیه تصور می کردند. نمونه های شخص این گرایش بخصوص در چین پس از انقلاب عظیم ۱۹۴۹ و در گرایش رهبری حزب کمونیستهای محلی در برابر استقرار مجتهد های عظیم صنعتی قرار گرفت. رهبری خرد بورژوازی حزب کمونیست بدون آنکه بداند چه چیزی را باید نفی کند و چه چیز را باید جایگزین نماید به نفی مطلق کلیت جامعه سرمایه داری میبرد اخت.

رهبران حزب کمونیست چین چنین تصور میکردند که این منافع بزرگ است که مندی سرمایه داران را برود و است نه مناسبات تولید سرمایه داری. اشکال بروز این نوع تمایلات را آغاز قرن هیجدهم و در جریان خدیت کارگران با ماسین نیز مشاهده می کنیم. کارگرانی که برای مبارزه علیه استثمار، ماسین و دستگاه های تولید مورد حمله و تعرض خود قرار میدادند از همین قانون تبعیت میکردند راه چند آن توری نویم در کشور خود مان نیز هنوز چنین گرایشات در بسیاری از کشورهای مدعی مارکسیسم لنینیسم، عملگردد خاص خود را دارند. مخالفت نیروهای مسال کومه با هرگونه دولتی شدن و تولید بزرگ، و دقیقاً ناشی از تسلط همین پدیده گاه است. یا مثلاً آثار معروف آل احمد نویسنده خرد بورژوازی معاصر ایران را در نظر بگیریم. او بخصوص در کتاب فریب دگی، ماسین و صنعت غرب را به باد انتقاد کشید بود و چنین تصور میکرد که این تکنولوژی و ماسینیسیم است که به تسلط امپریالیستهای ایران منجر گردیده است. ال احمد با این پدیده گاه از نقد مناسبات استعماری یعنی تشکیل میسرست و در همانجا درجا میزند.

بنابراین روشن می شود که در شیوه نقد غیر کمونیستی، آنچه بیش از همه صراحت پیدا می کند، نفی مطلق هر پدیده ایست که مورد نقد قرار میگیرد. آنچه در این میان حائز اهمیت می باشد توجه به این حقیقت است که چون چنین شیوه غیر اصولی نقد قادر به نفی



واقعیت نخواهد شد، جبراً به نتایجات پیچیده های دچار شده، در مقابل آن وارد و به تنگن می شود و در یک درتسلط گریزانه ملزم به پذیرش تمام و کمال همان واقعیت شومی می شود که یعنی مطلق آن همسگ کاشته بود. این عیناً سرنوشت محتوم همان انتقاد از خود های مکرر و محتواسی است که بعد از مدتی جز یک صحنه چینی بنظر میرسد.

در بسیاری از مدارج روشنفکری برخوردار می کنیم بانفی ادبیات کلاسیک و با نفی مطلق بسیاری از متون ادبی که من بدین توجه به مشخصات تاریخی زمان خود و بدین در نظر گرفتن شرایط حاکم بر آن صورت گرفته است. توجه به این مساله بخصوص اگر هدف روشنی را برای ارتقاء آگاهی اجتماعی و کسب تجارب جدید مد نظر نداشته باشد بسیار حائز اهمیت بوده و ضرورت یک برخورد اصولی را می طلبد.

بعنوان نمونه اگر نقد دگر تخی اراتی، یکی از شخصیت های جنبش کمونیستی ایران را از نگاه شاهنامه فردوسی مورد مطالعه قرار داده باشد، برایتان روشن خواهد شد که رفیق اراتی بدون توجه به خصوصیات جامعه ایران در قرن ششم و بدون نظر گرفتن قوانین تاریخی حاکم بر ایران آن زمان، چگونه یعنی کامل و مطلق فردوسی این حماسه سرای بزرگ ایران دست زده و - فردوسی را تاحه یکی از مجرمان طفلیسی دربار سلطان محمود تنزل داده است. او با همین شیوه انحرافی نقد به انتقاد از جامعه دوران رضاشاهی میبرد از و الا ما از نقد نظام در چهارچوب قوانین حاکم بر آن فراتر نمی رود.

در نقطه مقابل چنین شیوه هایی، - متد ولوژی لنین در شیوه نقد اجتماعی پیش روی ما قرار دارد. لنین علاوه بر اصول و رهنمود های د هیات های که در امر انقلاب پرولتری و نقد جامعه بورژوازی پیش روی پرولتاریای جهان نهاده است، در شیوه و روش و متد ولوژی نقد مارکسیستی به بهترین نحو آموزش میدهد. لنین، آغاز تولد بشریت را بر نفسی و پالکتیکی وضعیت پیش از خود استوار میسازد و نه نفی مکانیکی آن. او علویم درک صبیق از خویشاوندی نارود نیست در روسیه با گروه آزادی کار پلخانیف، مبنای حرکت سوسیال د مکرسی را از برنامه ۱۸۸۵ گره ازادی کار پلخانیف شروع می کند و بعد هانیز که پلخانیف راه ارتداد می بیند و از صفوف سوسیال د مکرسی روسیه به بیرون و به سمت بورژوازی پرتاب میشود، لنین هیچگاه آموزش های فلسفی او را از ارج و ارزشمندی نمی اندازد. لنین در برخورد پلخانیف و کائوتسکی علویم آنکه به ارتداد کامل از مارکسیسم گرویده اند و به اریان پرولتاریا خیانت ورزیده اند، اما تا آنجا که تخریب بنیانهای فکری دنیای کهن در زمان بود و توان آن هنگام که مارکسیست بود نه بر آثارشان ارج می گذارد و مطالعه آثارشان را در این مراحل به پرولتاریای انقلابی توصیه می کند. اگر جامعه باید تحول یابد، اگر طبقه

انقلاب یا...

راستای تند اوم بخشیدن بمسرمایه داری و تعمیق آن و تثبیت سلطه سیاسی بورژوازی قرار ارد. کانه تسکیر این چنین بود و تسکیر متسویکها نه گانوسی و نه متسویکها در حرف دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب سوسیالیستی رانفی نکردند. لیکن هر دو در دوران های انقلابی بمبپانه نازل بودن در رجه مبارزه طبقاتی در کنار و متکسی به سطح توسعه سرمایه داری عملا ضرورت رهبری بورژوازی (و یا خود بجای آن در همان نقش) و توسعه سرمایه داری را برای یک دور دیگر معطله کردن تا اصطلاح مبارزه طبقاتی ارتقا یابد و پرولتاریا آماده کسب کند و این دوره ها در دوره ایزه اکنومیستی مبارزه طبقاتی میزاندن تایی نهایت اداسه یابد. تیزی اعطاف پدیر (!) گذار مسالمت آمیز این بخش رانیز شامل میشود. در ایران بطور کلی نیروهای سیاسی این جریان (و نه الزاما عناصر منفرد) با همان محتوای اپورتونیستی لیکن شکل ویژه ای بروز میکنند. شرایط ویژه اجتماعی (از جمله عقب ماندگی نسبی اقتصادی، سلطه امپریالیستی، عدم وجود مکرسی بورژوازی و بالنتیجه فرهنگ پارلمنتاریستی و...) مجالی برای تری بازی صریح و بی پرده بینش تحول گرایی آرام سیاسی (مثلا از طریق افزایش تدریجی پارلمانی) باقی نمی گذارد. در عین حال همین شرایط ویژه به انجمن "اما" و "اگر هائی تید یل سگردند که انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا میک تاپو - بمیزنی که حتمی حرفش راهم فعلا نیاید زد - تید یل میشرند. در اینجا شرایط ویژه اجتماعی بین محتوای بینش اپورتونیسم و شکل بروز آن تناقض و یا بهتر است بگویم خلاقی ایجاد میکند. در مکرسی های بورژوازی معتادو شکل اپورتونیسم از هماغهنگی متسایسی برخوردار است. حال آنکه ناهما هنگی نسبی بین محتوا و شکل اپورتونیسم را اینجا میزاندن گرامکننده باشد و معتدای اپورتونیستی جریان راست را مندرش و کمسرتنگ نشان دهد. در حالی که اهمیت این جریان با اپورتونیسم راست مثلا اروپائی یکی است که اما بعلت شرایط ویژه اجتماعی امکان بروز بهمان شکل اروپائی راند ارد. در مکرسی های بورژوازی پیشرفته اولی بر اساس حتمی تحلیل های سوسیالیستی آن سامان تحول د پگری جز سوسیالیسم نمی تواند در انتظار جامعه باشد. از اینرو موضعه گیری در قبال دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب سوسیالیستی امری مربوط به جنبش کمونیست است. ثانیا، با وجود سترویی بودن پارلمان در تحولات اجتماعی (برعس ادعای اپورتونیست ها)، فرهنگ بورژوازی پارلمنتاریستی یا کک بی در ریب اپورتونیسم نامفراستخوان جامعه رسخ کرده است. از اینرو بیان صریح تحول گرایی آرام علت وجودی می یابد و نفی دیکتاتوری پرولتاریا کاربرد عملی در

پیشبرد جنبش اکنومیستی کسب میکند. در اینجا اما وضعیت اجتماعی شکل دیگری از بروز اپورتونیسم را ایجاد میکند. اولاً، نفی لفظی نظریه دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب سوسیالیستی کاربرد عملی برای زد و بند با جناحهای مختلف بورژوازی و پیشبرد جنبش اکنومیستی پیدا نمیکند. اساساً جریان معتقد به انقلاب بورژوازی - مکرراتیک با همان مشخصه های اساسی کلاسیک آن برای این دوره که در حقیقت همان دوره بی نهایتی است که مرتباً سر مینای ملانگ کمی تکرار میکرد (نیازی نبود نظریه دیکتاتوری پرولتاریا و اعلام اینکه جامعه خود بصورت آرام بمسویالیست تحول میشود، ند ارد. و بطور کلی از یدگاه این جنبش بین جنبش توده های کمونی و انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا اساساً هیچ رابطه بلا واسطه ای وجود ند ارد. آن چنان رابطه ای که نظریه انقلاب مکرراتیک توده های برقرار میسازد. از اینرو همین جریان در اینجا میزاندن نظریه انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا را بدین گونه صریحاً انکار نماید، باطنی کند و به کارهای روزمره مربوط به همبستگی و پیشرفت اجتماعی بپردازد. ثانیا، عدم وجود پارلمان بعنوان یک نهاد اجتماعی و همچنین فرهنگ پارلمنتاریستی زمینه ای را ایجاد نمیکند که این جریان تحول اجتماعی را بتواند مکرول بمکسب آرد. در پارلمان بنماید و از اینرو نه تنها انقلاب بدیرفته میشود، بلکه شرایط اجتماعی میزاندن این جریان را بتمکین از شیوه های غیرمسالمت آمیز مبارزه برای تحول اجتماعی وادارسازد. اما صرف نظر از اشکال مختلفی که اپورتونیسم در اینجا بخود میکود، محتوای این اشکال همان تحول گرایی تدریجی است که مبارزه طبقاتی را در دوره مناسبات بورژوازی محدود میکند. ملانگ کمی اکنومیسم در سنجش ارتقا مبارزه طبقاتی بطور کلی توان پرولتاریا بطور اخصی بالا جبار کار را به انجام میسازد که امر انقلاب سوسیالیستی و جنبش کمونی بمشابه پیش درآمد استقرار دیکتاتوری پرولتاریا (د مکرسی تدهای) عملاً بکناری زده میشود. بدون آنکه در اینجا این جریان ملزم باشد که صریحاً عدم اعتقاد خود را به انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا اعلام د ارد. مبارزه طبقاتی و توان پرولتاریا که با ملانگ کمی سنجیده میشود و بصورت ایستا و مکانیکی بتخلیل رومی آید، در ستمایه ای میشود که انقلاب بورژوازی - مکرراتیک جهت تعمیق و بسط سرمایه داری عملاً به استراتژی این جریان تید یل شود. اثبات این "استراتژی" کار چند آن در شورای نیست. فقط کافی است که مبارزه طبقاتی را بصورت مکانیکی و تابع یار فعلی از سطح توسعه سرمایه داری فرض کرد. آنکه میتوان گفت: برای انقلاب سوسیالیستی (و یاپیش درآمد آن، انقلاب مکرراتیک توده های) ارتقا مبارزه طبقاتی بطور عام و ارتقا توان مبارزاتی پرولتاریا بطور اخص ضروری است. برای تحقق این "ارتقا" در همما بر اساس

سورت کامل تک خطی جوامع - بسط مناسبات سرمایه داری و ایجاد رومانی سیاسی مناسبات که بمبارزه طبقاتی امکان ارتقا در هدلا زمست و در حقیقت چون ملانگ ارتقا مبارزه طبقاتی، ملاکی کسی است که خود وابسته به فصل بسط توسعه سرمایه داری و در رجه رشد نیروهای مولد از یک طرف و از طرف دیگر وابسته مستقیم به مکرسی پارلمانی است، لذا بطور گریز ناپذیری قطعیت و ضرورت انقلاب بورژوازی (و یابسط سرمایه داری) در همه حال و با هر سطحی از مبارزه طبقاتی، اثبات می شود. و بدین طریق دوران در دوره تحول گرایی تند اوم می یابد. در جامعه ما و بطور کلی در اکثریت جوامع سرمایه داری کاملاً توسعه نیافته و تحت سلطه دیکتاتوری های عربان، جنبش کمونی قدری و کمی این جریان از مبارزه طبقاتی و طرق ارتقا انترامیونان ارتقا کدی که بسر ضرورت بی قید و شرط بسط سرمایه داری و ایجاد مکرسی بورژوازی می شود، در ریافت. بر طبق این بیشتر ارتقا مبارزه طبقاتی بطور عام و ارتقا توان مبارزاتی پرولتاریا بطور اخص بطریقی مکانیکی از نسو وابسته به تمدن اد پرولتاریا نسبت به کل جمعیت و از نسو دیگر وابسته به مکرسی بورژوازی است و لذا برای اینکه مبارزه طبقاتی ارتقا یافته و پرولتاریا آگاه و متشکل شده و نهایتاً (نهایتی بی نهایت) توان کسب قدرت سیاسی را بیابد ابتدا ضروری است شرایط قدرتمندی پرولتاریا یعنی افزایش تعداد پرولتاریا نسبت به کل جمعیت از یک طرف و از طرف دیگر گذراندن ضروری و حتمی یک دوره مبارزه سیاسی در چهار چوب حاکمیت د مکرسی بورژوازی، فراهم شود. این نگرش نسبت به مبارزه طبقاتی و قدرتمندی پرولتاریا در تند اوم و مکمل همان تحول گرایی آرام و تدریجی یک دوران تاریخی به دورانی دیگر است. آن تحول گرایی که در زمینه اقتصاد مشاهده کردیم خود را در زمینه سیاست و فرهنگ نیز متمسک میکند. آنچه که بطور کلی بعنوان شرایط اولیه قدرتمندی پرولتاریا در یک دوران تاریخی بحساب می آید، بتامی برهمنای پروسه تکاملی یک دوران و عصرهای مختلف و بی توجه به شرایط ویژه مبارزه طبقاتی هر جامعه عیناً تعمیم د ارد. می شود و بصورت قوانین حامدی در می آید که پرولتاریا هر کسور الزاماً باید بطور تمام و کمال انرا از سر بگذراند. بدین قرار است که اکنومیسم آنچه را که در فین ۱۹ معمول بود، یعنی در عصری که بعلت تناسب قوای طبقاتی بورژوازی در راس قرار داشت و سرمایه داری در حال ارتقا بود و راههای مختلف تحول جامعه آنچنان که امروز عملاً بمنجر به درآمد است شناخته شده نبود (هر چند که در همان زمان مارکس و انگلس از نقطه نظر تئوری، تحول جامعه را از طرق مختلف و با توجه به شرایط ویژه هر جامعه به رسمیت می شناختند) عیناً بمصخر حاضر و هر جامعه شخص تعمیم بی درده. از این لحاظ اکنومیسم گذراندن تمامی مراحل

انقلاب یا ...

اصلی تکامل سرمایه داری که جوامع سرمایه داری پیشرفته طی کرد مانند رابرای هر جامعه دیگر لازم می آید. و این در مورد مبارزه طبقاتی نیز صادق است. البته بینشی اکتونومیستی که ابتدا ایرتازل بودن سطح توسعه سرمایه داری و مبارزه طبقاتی تکیه میکند (مثل جریان اکتونومیستی ما) بالا جبار و پس از توسعه سرمایه داری و فرضاً ایجاد دموکراسی بورژوازی بر حفظ نسرخ باشد تولید ناخالص داخلی و تحول از طریق آراء پارلمانی تکیه خواهد زد (اگر اکتونومیست) چرا که دوران در آیه تحول - برای آرام صرف نظر از نقطه شروع حرکتو شکل آن، از یک منشاء نشأت میگیرد.

اساساً ملاکهای اکتونومیسم در تعیین مبارزه طبقاتی (همانطور که قبلاً مطرح ساختم) بطریقی مکانیکی تابع بلا فصلی از سطح توسعه سرمایه داری است. با هر درجه آرزند سرمایه داری و نیروهای مولد مبارزه طبقاتی نیز الزاماً و متناسب با آن ارتقا می یابد. بدین ترتیب اکتونومیسم مبارزه طبقاتی را بیک معادله ساده درجه اول تبدیل می کند که تابع درجه رشد سرمایه داری است:

درجه رشد سرمایه داری =

$x \times \alpha$ درجه رشد مبارزه طبقاتی
معادله همواره با کمی معین از درجه رشد سرمایه داری آغاز می شود و از آنجا که خود ضریبی ثابت است به مشخص شدن کمی درجه رشد مبارزه طبقاتی ختم میشود. با همین الگوست که این جریان - قدرت رتندی یورولتاریا را بنسجش درمی آورد قدرت یورولتاریا تابعی است بلا واسطه از کمی یورولتاریا در یک جمعیت. ولذا برای اینکه قدرت یورولتاریا افزایش یابد ضروری است که سرمایه داری توسعه یافته، نیروهای مولد و رشد کنند تا نسبت عددی یورولتاریا در یک جمعیت افزایش یابد. والیته این استدلال اکتونومیستی در مراحل اولیه توسعه سرمایه داری - مثل جامعه ما - امکان عرض اندام مناسبتری دارد. لنین

در پاسخ به این چنین استدلال اکتونومیستی که کسب قدرت سیاسی توسط یورولتاریسای روسیه را محکوم میکند به این دلیل که یورولتاریا اقلیتی از یک جمعیت را تشکیل می دهد، بگوید: "قدرت یورولتاریا در هر یک از کشورهای سرمایه داری، به نسبت میزان حداد افراد یورولتر نسبت به یک جمعیت است. باین دلیل که یورولتاریا از نظر اقتصادی نه هرگز در دسترس نظام اقتصادی سرمایه داری، بلکه در مرکز این نظام نفوذ دارد، و همچنین باین دلیل که یورولتاریا نظر اقتصادی و سیاسی، و منافع واقعی ثمریت قاطعاً زحمت کشانی را بیان می کند که بر سلطه کاپیتالیزم قرار دارند."

انتخابات مجلس موسان) - تاریخ ارزات یورولتاریای جهانی، نمونه های جاری از قدرت یورولتاریا (و پادشاهی

یورولتاریا) در جوامعی را نشان می دهد که نسبتاً میزان عددی یورولتاریا نسبت به کل جمعیت در اقلیت و انهم اقلیت فاحشی بوده است (نمونه روسیه) ، بلکه حتی یورولتاریا و پادشاهی یورولتاریا جوامعی با ساخت اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودالی توانستند انقلاب دموکراتیک خود را رهبری کرده و به ساختن نظام نوین در جامعه بهر ازنه (نمونه ویتنام) . میزان تعداد یورولتاریا در یک جمعیت، بهیچوجه نمیتواند بعنوان ملاک تعیین کننده قدرت یورولتاریا باشد. این میزان عاملی است که خود در تناسب قوای طبقاتی می تواند موثر باشد. اما تناسب قوای طبقاتی و قدرت یورولتاریا را تعیین نمی کند و لذا انقلاب سوسیالیستی (و یا تحت شرایط انقلاب دموکراتیک خود های پشاه به پیش در اند انقلاب سوسیالیستی) بهیچوجه منوط به میزان کمی یورولتاریا نیست. هرچند که این میزان در ساختمان سوسیالیسم عامل موثری بشمار می رود و از این لحاظ جوامع سرمایه داری توسعه یافته - پس از انقلاب سوسیالیستی - امر ساختمان سوسیالیسم را تسهیل و تسهیل تر و مطمئن تر به پیش میبرند.

اما نیروهای از این جریان می توانند ادعا کنند که توانندی یورولتاریا در مبارزه طبقاتی را فقط منوط به میزان عددی یورولتاریا در یک جمعیت نگردانند، بلکه این توانندی به میزان شکل و آگاهی یورولتاریا نیز بستگی دارد. پس میتوان سوال نمود که چگونه "میزان" شکل و آگاهی یورولتاریا ارتقا می یابد؟ پاسخ در همان محدوده ماست که قبلاً نیز مشاهده کردیم: بسط سرمایه داری و ایجاد دموکراسی بورژوازی از نوع معموله بسط سرمایه داری میزان کمی یورولتاریا را افزایش می دهد و دموکراسی بورژوازی (پارلمانی) شرایط را ایجاد می کند که یورولتاریا امکان شکل و آگاهی می یابد. این جریان که سیر امور را تلخ خطی می بیند و یک راه - و فقط یک راه که به موجودیت - اجتماعش سازگار است - را می شناسد، "آزاد پهای سیاسی" به مثابه بهترین امکان جهت شکل و آگاهی یورولتاریا را بطریقی مکانیکی منحصرآ - وابسته به دموکراسی بورژوازی (پارلمانی) می نماید. اما سالک در حقیقت در اینجا بحث پیرامون ضرورت آزاد پهای سیاسی نیست. ضرورت آزادی های سیاسی بارها و بارها توسط کلیه مارکسیست لنینیست ها مورد تأکید قرار گرفته است. تجارب یورولتاریا در یک کشور هادال بر این است که در فقدان آزاد پهای سیاسی امر اتحاد و تشکل یورولتاریا، امر مبارزه با فقر و ستم و استثمار سرمایه داری و امر ارتقا آگاهی و مهرباشدن یورولتاریا برای کسب قدرت سیاسی و... نمی تواند به فرجام برسد. لنین در مورد ضرورت آزاد پهای سیاسی می نویسد: "میلیونها کارگر نمی توانند متحد گردند، اگر دولت پلیسی انوکراتیک تمامی موبتنگهارا منور اعلام نماید، تمامی روزنامهها و انتخابات متحد شدن بایستی این حق را کسب که هرگز اتحاد پهای تشکل دهند، باید

برای متحد شدن آزادی داشته باشند. آنان می باید آزادی سیاسی کسب نمایند. آزادی سیاسی بهیچوجه مردم کارگر را از فقر نخواهد رها نماید، اما به آنها سلاحی میدهد که توسط آن با فقر مبارزه کنند. هیچ وسیله دیگری وجود ندارد، و هیچ وسیله دیگری هنوز برای مبارزه علیه فقر وجود ندارد، بجز اتحاد خود کارگران، اما میلیونها نفر نمی توانند متحد شوند، مگر آزادی سیاسی وجود داشته باشد" (پروستائینا فقیر) پس ساله بهیچوجه بر شرایط ضرورت آزادی های سیاسی نیست. مساله این است که این جریان "آزاد پهای سیاسی" را نیز در زمان دوره تحول گزاش می کند و این مقوله را نیز همچون سایر مقوله های که قبلاً مورد بحث قرار گرفت، فقط در چهارچوب نظام سرمایه داری می فهمد. و لذا آزادی های سیاسی جز دموکراسی بورژوازی از نوع معمول (پارلمانی) مفهومی در پیچیدگی نمی کند. این جریان در فقدان دموکراسی بورژوازی هیچگونه راه زبیدی آورد نمی گذارد، و بر ضرورت وجود این دموکراسی بعنوان پیش شرط حتی اتحاد، تشکل و آگاهی یورولتاریا و حتی آماده شدن یورولتاریا برای کسب قدرت سیاسی تأکید می کند. اما زمانی که تحت شرایط ویژه اجتماعی (در فقدان دموکراسی بورژوازی و با وجود آن) یورولتاریا امکان اتحاد و تشکل می یابد و در جهت کسب قدرت سیاسی به پیش مبارزه، این جریان با عنوان اینکه هنوز جامعه از مرحله دموکراسی بورژوازی عبور نکرده است و باید در صورت حاکمیت دموکراسی بورژوازی، با عنوان اینکه این دموکراسی مفرقی است و باید در حفظ آن کوشید، ماهیت اصلی خود را در دفاع از نفس این دموکراسی برای ابد کردن سرمایه داری و نه بعنوان سلاحی برای مبارزه با فقر و ستم سرمایه داری و برای اتحاد، تشکل و آگاهی یورولتاریا ایجاد زمینه برای کسب قدرت سیاسی به نمایش می گذارد. یک نمونه متعارف از این بینش را کاتونیسکی هنگامی که یورولتاریای روسیه قدرت سیاسی را متخاصم کرده بود، عرضه داشت: کاتونیسکی در مناقب دموکراسی بورژوازی بسیار اد سخن در اولتین در پاسخ به اراجیف وی نوشت: "اگر کاتونیسکی در همان فحده راه اثبات این حقیقت تخصیص می دهد که دموکراسی بورژوازی نسبت به اصول قرون وسطی مترقیست و یورولتاریا حتماً باید در مبارزه خود علیه بورژوازی از آن استفاده نماید، معنای آن فقط پرکوشی لیبرالی کسی است که کارگران را تحمیف می کند... کاتونیسکی از مارکسیسم آنجیزی را بر میگزیند که برای لیبرالها، برای بورژوازی پذیرفتنی است (انتقاد از قرون وسطی، نقض مترقی تاریخی سرمایه داری بطور عام و دموکراسی سرمایه داری بطور خاص). ولی آنچه را که برای بورژوازی ناپذیرتینی است (یعنی افعال قهرانقلابی یورولتاریا علیه بورژوازی برای نابودی آن) بدور می اندازد، مسکوت می گذارد و روی آن سایه میزند" (انقلاب پرولتری و کاتونیسکی مرتد) (اپورتونوسیم به منظور "سرمایه داری بقیه در صفحه ۱۷

پخش نشریات

نشسته و مشغول خواندن هستند. کارگر مکانیکی که جوانی ۱۶ ساله‌ای بود به طوری اعلامیه‌ها رفتند و یکی بر داشتند. در حال خواندن بود که یکی از کارگران داخل سرویس پرسید: "چی هست؟" کارگر در حالی که اعلامیه را به دستش می‌داد گفت: "اعلامیه است، میخوای بیا کارگر داخل سرویس شکر کرد و اعلامیه را گرفت و شروع به خواندن کرد. دو نفر از کارگران دسته‌ای اعلامیه‌ها که در حدود ۷-۶ عدد میشد خیلی آرام به زیر بغل زد و به طرف سرویس رفتند. متوسل سوار یکی لباس مزبوران انجمن اسلامی به تن داشت بعد رب کارخانه رسید، جوهری ایضا آمدند. نگهبانان اعلامیه‌ها را نشان دادند. اوهم اعلامیه را تا گردن رجیست گذاشت و چنین وانمود کرد که برای یک مساله می‌رود و بعد در آنکه اقدام به پار کردن بقیه اعلامیه‌ها کند از محل دور شد. سمحار کارگر رحالیکه اعلامیه را لو کرده و در دست داشتند همراه افتاده و بدون اینکه با سرویس بیرون در کنار خیابان منتظر وسیله نقلیه عمومی بودند. در مجموع ۲ الی ۱ اعلامیه پستاره شد و بقیه را کارگران بردند.

۱۲- کارخانه جیت سازی تهران
تاریخ ۶۴/۱/۲۸، زمان ساعت ۲ بعد از ظهر، تعداد اعلامیه ۳۵ عدد اعلامیه سازمان بناسبت روز اول ماهه.
رقاد ساعت مقرر اقدام به پخش اعلامیه در اطراف مناطق کارخانه و در رب کارخانه کردند. بعضی پخش اعلامیه، ۳-۴-
نهبان با اضافه یک زن حزب اللهی بمسوی اعلامیه‌ها هجوم بردند و تعدادی را جمع کردند و زن حزب اللهی مزبور را دستگیر کرد. اعلامیه را در روز جیت ریش مخفی کرد. اما به دلیل وسیع بودن سطح توزیع کارگران موفق شد تعدادی از اعلامیه‌ها را با خود ببرند. یکی از کارگران پرسید اعلامیه چیست و دیگری جواب داد حال فدائی‌هاست. یک مسرد حدود ۴ ساله و یک جوان ۲۰ ساله یک اعلامیه برداشته و به آن طرف خیابان می‌رفتند و در حین خواندن اعلامیه با هم صحبت میکردند. ده‌ای هم با تعجب خم شده و به اعلامیه و آرم سرخ که بالای اعلامیه بود نگاه میکردند. علمبرم تلاشی انجمن اسلامی و حزب اللهی‌ها در جمع آوری اعلامیه‌ها، تعدادی اعلامیه سالم به دست کارگران رسید حتی یک سینی بوس که در حال گذر بود متوقف شد و شاگرد راننده یک اعلامیه برداشت و سپس همراه خود ادامه داد.

۱۳- کارخانه مسلسل سازی
تاریخ ۶۴/۱/۲۶، تعداد ۴۰۰ عدد اعلامیه سازمان، زمان پخش ۲/۴۵ دقیقه در حین تعطیل کارخانه در سه نقطه اعلامیه پخش شد کارگران که به سمت منزل خود می‌رفتند هریک اعلامیه‌ای برداشته و با تعجب به آن طرف نگاه میکردند.

یکی از کارگران به کارگری که حدود ۱۰ عدد با خود می‌برد و چهره خندان داشت گفت: یکی هم بمن بده و او جواب داد: روی زمین ریخته برو از آنجا بردار. در یکی از نقاط پخش از طرف بازرسی آمده بود و در برانوار تعدادی اعلامیه را که بر زمین ریخته بود پاره میکردند و یکی از آنها با صدای بلند می‌گفت: "سریخ اعلامیه که نیرو بیار". کارگری با اشاره به اعلامیه‌ها بفریاد می‌گفت: "فلاسی باز شروع کردی و اینها خنده گفت: چه کنیم بالاخره بی باید شروع کنیم".

روز بعد در قسمت صحبت پرسوشتن اعلامیه بود اما بطرف متقیانه. همچنین جلورب - کارخانه یک نیروی موتوری مسلح آمد و یک داشته بود و نا بحدض حضور رفا آنها را متکبر شدند آنهام بوسیله یک موتور! کارگران با حالت تسخر به این صحنه نظاره میکردند و می‌گفتند: "حالا که کلر شون رو کردن اینها را جلورب کاشتنند تا مراقب باشند. اگر جوان داشته‌اند امروز که پخش شد می‌آید بد تا جریک‌ها خند متنون برسند.

۱۴- کارخانه پارس (ارو باهر)
تاریخ ۶۴/۱/۲۵، تعداد ۲۰۰ عدد اعلامیه سازمان. نزد یک درب خروجی کارخانه رسیدند و بودیم که اعلامیه‌ها رو هوا چرخ زنان پائین می‌افتند. سرویس‌ها ایستاده بودند و تعدادی از کارگران سوار سرویس شده بودند. تعدادی از اعلامیه‌ها یکی از کارگران با حالتی که جلب توجه دیگران را کند گفت: "یکی از اینها در حالی که اعلامیه‌ها را بر میداشت و همان نگاه میکرد با بدن آرم سازمان رو به دیگری کرد و با تحسین و خوشحالی گفت: "خوب شون بزن ها، دیدی؟" در همین حین یکی از کارگران از سرویس پیاده شد و دسته‌ای اعلامیه برداشته و به داخل سرویس برد. یکی دیگر از کارگران پرسید مال کیه و دیگری جواب داد مال جریک‌هاست. هرکس از رب کارخانه خارج میشد نگاه به اعلامیه‌ها میکرد و یکی پرسید اشت و شروع به خواندن می‌کرد و آنها که در سرویس بودند پیاده شده اعلامیه‌های بر میداشتند و سرویس بازمی‌گشتند. بیگان سفید رنگی که در حال عبور بود با دیدن اعلامیه بر زمین، چند متر جلوتر ایستاد پیاده شد و چند اعلامیه برداشت و رفت. جو کمالاً و موکراتیکی پدید آمده بود حتی یک نمونه پیاره شدن اعلامیه مشاهده نشد و تریس از برداشتن اعلامیه، خواندن و با حمل آن در کارگران دیده نمی‌شد.

۱۵- صنایع نظامی پارس لوکس
تاریخ ۶۴/۱/۲۷، زمان ساعت ۳ بعد از ظهر، تعداد و نوع اعلامیه ۲۰۰ عدد اعلامیه سازمان.
اعلامیه‌ها در دو دسته بصورت شراکسم پخش شد. از اینرو نگهبانی موفق شد سریمها در جهت ازین برن دسته‌ای از آنها اقدام نماید اما هیکامیکه از کارگران کبریت برای سوزاندن آنها خواست، هیچکس حاضر بدادن کبریت نشد و سرانجام این دسته از اعلامیه‌ها بمسوی آب ریخت.

فردی که حزب اللهی بنظر می‌رسید گفت: پس این سرایزنگهبان که آن بالاست برای چه نگهبانی میدهند ما می‌توانست راحت آنها را بتیر بزنند. کارگری جواب داد: ای بابا تیخیلی برتی مگه اوناست خالی میان حتما حساب کارشون رو کردن. یکی از کارگران اعلامیه‌ای برداشته و می‌فریاد می‌کن ماشین همکارش که در حال حرکت بود چسباند و با خنده گفت حالا برو.

تعدادی اعلامیه در دست کارگران بود و مزور بران انجمن اسلامی نیز حیران و سرگردان از کارگران می‌خواستند زود تر سوار سرویس‌ها شوند.

اشکال کار این بود که پخش محدود بود و وسیعی را در بر نداشت و کارگرانی که مشغول خرید میوه بودند عملاً از پخش مطلع نشدند. فریاد این نگهبانی باعث آمدن مباحث در درآمد و منتظر آمدن رفا بود.

۱۶- کارخانه اونیر سال
تاریخ ۶۴/۱/۲۵، زمان ۱۵/۴ دقیقه بعد از ظهر، تعداد و نوع ۲۰۰ عدد اعلامیه سازمان.

هنوز از رب کارخانه. ه تری و در نشده بودیم که دسته‌ای اعلامیه به طرف کارگرانی که در حال بیرون آمدن از کارخانه بودند پرتاب شد. بعضی از کارگران برگشتن به طرف اعلامیه‌ها رفتند و هرکس اعلامیه‌ای بر میداشت و همراه خود او امیدوار بعضی با گذشتن آن در جیب سرویس می‌گذاشتند و بعضی در حین رفتن بخواندن آن مشغول بودند. هرگد رانی هم که متوجه پخش اعلامیه‌ها نبودند نیز یک شده اعلامیه‌ای را بر میداشتند. کارگر تهمین کاری که در محل مشغول کار بود در شش‌های اعلامیه برداشت و بین چند نفر پخش کرد و گفت: "ببین هرکس تیر کرده بر اخودش بعد از بخونه" سپس اعلامیه خود شرا تا زده در رجیست گذاشت و بکار مشغول شد.

هیچ فریاد و جنجالی برای جلوگیری از برداشتن اعلامیه‌ها توسط نگهبانان مشاهده نشد تنها یکسته تا از اعلامیه‌ها توسط یکی از انجمن اسلامی‌ها پاره شدند. هیچگونه تریس و راه‌های از برداشتن اعلامیه از سوی کارگران مشاهده نشد و کلاً از پخش اعلامیه استقبال کردند.
- گزارش دیگری از پخش در همین کارخانه: موافقت که سوار ماشین بشوم تا نگهبان نتیجه چرخش اعلامیه‌ها را بخواهم. آرم شرح سازمان در رسالی اعلامیه‌ها می‌رسانند. زنی رهگذر اعلامیه‌ای برداشت و من نیز یکی برداشتم و مانند سایر کارگران شروع به خواندن آن نمودم. تعدادی از کارگران یکی برداشته و زود می‌رفتند. یکی با صدای بلند گفت: "مال سازمان جریک‌هاست، در یاره روز کارگراست. اکثر اعلامیه‌ها توسط کارگران برداشته شده بود. در چهارم کارگران شوق و شادی نمایان بود. در حالی که یک مزدور چند اعلامیه را پاره میکرد کارگری با صدای بلند در کنار او شروع به خواندن اعلامیه نمود. در حد دو سه تری پخش یک گروه از کارگران را دیدم که نشسته بودند و یکی اعلامیه در دست داشت و برایشان بقیه در صفحه ۲۱



اعتراضات توده‌ای علیه جنگ ارتجاعی و رهنمودهایی به هواداران سازمان

مرتب‌ترین حاکم بر ایران، همچنان براداره جنگ پای می فشارند. بار دیگر ستند ستودم‌های مردم ایران را به جبهه‌های جنگ‌گسیل می‌آورند.

قراردادهای مخفیانه خرید سلاح با کشورهای آمریکایی منتهی می‌شوند. هرچند چند اعتراضات نظامی خودمختصی افزایش یافته، سران رژیم قصد خود را برای آغاز یک تفرقه نظامی در گراطلا می‌کنند. اخبار جدیدی از آمادگی رژیم برای یک حمله بگرنیترشده است. اکنون بگره‌های تمام‌عیار جنگ‌گسیل‌شده‌های مردم ایران را به دست آورده است. فشارهای مادی و معنوی، زندگی را بر آنان تنگ کرده است. جنگ بصورت یک فاجعه غیرقابل تحمل درآید است. توده‌های مردم گه‌گه‌ای نیز به بهانه‌های با صاحب‌بیمار جنگ رهرو بود ماند. اکنون صیان و ناراضی خود را در شکل مبارزه‌های و افکار، در تظاهرات ضد جنگ بروز می‌دهند. جنگ تصادف‌های اجتماعی را به سرحد انفجار رسانده است. جنگ بر وحدت و وحدت تضادها افزوده است. جنگ در حالی که نفوذ زیاد در میان توده‌های مردم ایران پیدا نموده است، نیروهای عظیم و سودهای کلان برای سرمایه‌داران ایرانی و آمریکایی‌هاست. جنگ جهانی به‌ار آورده است. جنگ سرمایه‌داران امکان‌ناپذیر است که بر دست استعمار کارگران بنشیند. دست‌مزد کارگران را در حد اقل ممکن نگاه دارند. کالا‌های مورد نیاز روز بروز به‌ار به قیمت‌های سرسام‌آور به فروش برسانند. با افزایش مالیات‌های غیرمستقیم و به‌ار حمله و نگرانی بگرنیترشده از بخش‌های هزینه‌های جنگی را به توده‌های مردم تحمیل کنند. جنگ‌شکاف میان فقیر و غنی، کارگر و سرمایه‌دار، توده‌های زحمتکش و شریف‌اند از افسوس‌ناک‌ترین صدمه است. جنگ بعنوان هزاری در خدمت طب‌حاکمه برای سلب حقوق مکرراتیک و آزادی‌های سیاسی، سرکوب و اختناق و برقراری دیکتاتوریمان و فنان‌گسیخته بگذار گرفته است. جنگ، منجر به گسترش آوارگی ملیون‌ها تن از زحمتکشان ایران و عراق شده است. جنگ، توده‌های مردم را در ره‌های از اونهاش از بهار آنها، موشک و کولمباران‌های مداوم شهرها قرار داده است. این جنگ تمام صاحب‌بده‌های یک جنگ ارتجاعی، تمام فشارهای مادی و معنوی - اقتصادی و سیاسی را بر دوش کارگران و زحمتکشان ایران قرار داده است. چنین جنگی نمی‌توانست منجر به رشد روزافزون تضاد میان کارگران و سرمایه‌داران، تضاد میان توده‌های محروم و تحت‌ستم و درآمد مستمر جمع حاکم و تضاد‌های درونی هیات حاکمه نگردد. حدت‌هایی این مجموعه تضادها باید آری و آگاهی روزافزون توده‌های مردم نشان‌دهنده است که توده‌های مردم به‌ار از بخش‌های سرنگونی رژیم جمهوری به‌ار جنگ واقف می‌گردند. این ایدئولوژی‌ها که کارگران و زحمتکشان ایران در راه توده‌های مردم به مادیت تبدیل می‌گردد و با سرعت باور نکردنی در میان آنها رشد می‌کند، طی جنگ به انقلاب و پی‌آوری

کمیته‌های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

تودمها به قیام، بخش انبش صحت خود را در تجزیه عملی نشان میدهد. در چنین شرایطی گفتوگوهای مردم بخش انبش به نبرد قطعی طبه رژیم بومی خیزند نیروهای پیشرو و کمونیست و طبقه دارند که نبرد انبه تلاش های خود برای سرعت بخشیدن و همدایت جنبش تودمهای میفرزایند. امروز وظیفه تمام فعالین و نیروهای هواداران سازمان این است که در هر کجا که هستند به تبلیغ و تدارک انجام اقدامات انقلابی تودمهای برای بازگشت رژیم حاکم بر ایران و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان بپردازند. ما باید فعالانه در امر سازماندهی تظاهرات و اعتصابات تلاش کنیم و کوششها را همگام و رهبری مبارزاتی تودمها را حول سازمان انقلابی در دست داشته باشیم. ما باید شعار "مرگ بر جنگ ارتجاعی و سرکشی رژیم جمهوری اسلامی" را در لحظه کنونی به مثابه بیانیه بگریزیم و شعار تودمها را به جنگ ارتجاعی به جنگ اخلی یعنی قیام صلحانه تودمهای طبه رژیم جمهوری اسلامی را بوسیله میان تودمهای مردم بخش کنیم. در انبه نفوذ خود را در میان تودمها بسط دهیم، به شکل سازمان یافته عمل کنیم و تبلیغات خود را از طریق اعلامیه، تراکت و شعار نویسی گسترش دهیم.

ما باید بخش انبش تودمهای را که همباز و همباز و آشکارا طبه جنگ بومی خیزند متقاعد سازیم که به بندون سرنگونی طبقات مستکبر و استبدادگر حاکم بر ایران چیزی جز بند بخش، جنگ و سرکوب ما بد آنها نخواهد شد. ما باید در مقابل تمام فرصت طلبان و سازشکارانی که آشکارا در میان طبقات بوی و بازی بر خاسته اند و از تودمهای مردم می خواهند که رژیم جمهوری اسلامی صلح و مکر را می رانند و این واقعت را بخش انبش ببرد و ما آشکارا سازیم که دست یابی به صلح و مکر تودمها برقرار است و برقرار است مکر را می رانند و این واقعت را بخش انبش ببرد و ما جمهوری اسلامی و استقرار قدرت انقلابی کارگران و دهقانان میسر نیست. صلح و مکر تودمها را مستحق تنها میتواند توسط یک حکومت انقلابی که مترجمین حاکم بر ایران را سرنگون کرد باشد، تحقق یابد. ما باید عمیقاً این تجربه عظیم کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را در میان کارگران و زحمتکشان ایران تبلیغ کنیم که از فرصت پیش آمد ما بد استفاده مکر و سلاح و آموزش را که بوی و بازی به خاطر جنگ ارتجاعی و اختیار تودمها قرار داد است، طبه خود آنان بکار گرفت. سلاحی را که بوی و بازی برای کشتار کارگران و زحمتکشان و کسور ایران و عراقی و اختیار تودمها قرار داد ما بد استفاده مکر و بازی خود آنان بکار گرفت.

هواداران سازمان باید با تشکیل هسته های مخفی در کارخانه ها و محلات و جاه ام سازمان یابند و مردم سازماندهی، هدایت و رهبری مبارزات تودمها، نقش فعالی ایفا نمایند. تبلیغات سمی و تهاجمی، منظم و ادعاری را برای تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ اخلی بخش بپردازند. تودمهای مردم را به تظاهرات و اعتصابات و قیام فراخوانند. هواداران سازمان در میان سربازان و در رده های جنگ باید با تشکیل هسته های مخفی، فعالیت سازمان یابند و رده های سازمان را در میان سربازان بخش بپردازند. تبلیغات ضد جنگ میفرزایند، اخبار مبارزات تودمهای مردم طبه جنگ رژیم جمهوری اسلامی را در میان سربازان بخش کنند و آنها را به آموزش و فرمانی طبه فرماندهان خود فراخوانند. ماهیت ارتجاعی جنگ را بخش انبش توضیح دهند و سربازان را متقاعد سازند که اسلحه های را که در دست خود دارند باید طبه رژیم جمهوری اسلامی بکار ببرند.

تنها گسترش اقدامات انقلابی تودمهای زیرلای شعارهای انقلابی سازمان میتواند تودمهای مردم ایران را از انزوا و بند بخش ای که جنگ و رژیم جمهوری اسلامی برای آنان به بار آورد نجات دهد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



تأیید و تقویت رژیم...

اتحاد جماهیر شوروی فرد ای سرنگینی رژیم جمهوری اسلامی چه پاسخی به کاروان و زحمتکشان ایران خواهد داد و امروز چگونه می تواند این سیاست انحرافی خود را ترمیم کند. ما تمام طبقه کارگر و از زوایه ضایع نمود مردم زحمتکش و ستمدیده ایران، اقدامات دولت شوروی را در مورد بهبود و گسترش مناسبات خود با رژیم جمهوری اسلامی که در حقیقت میان چیزی جز تقویت و تحکیم این رژیم در حال سقوط نیست قیام محکوم می کنیم. با این اقدامات دولت شوروی رانگس صریح و آشکار ائتزاناسیونالیسم، ضربه زدن به انقلاب ایران و انقلاب جهانی آزادی می نسازیم. این سیاست دولت اتحاد جماهیر شوروی نتیجه انحرافات روزی رژیم نیستی حاکم بورژوازی کمونیست این کشور است که به فضات بینین جهانی کمونیستی بطور افسوسناک و غیرتاریخ و غیرتاریخ جدی وارد آورده است. این عمل سیاستی است که ضایع نمایی طبقه کارگر را فدای منافع مصالح لطمه ای و آنی و قیامت اقتصادی را جایگزین مبارزه طبقه ای انقلابی و گذار سیاست از راجا یکروزه شوروی برولین به ریک انقلاب فراموش می نماید. تودید می نیست که طبقه کارگر ایران خود بهای زحمتکش که اکنون طبقه رژیم جمهوری اسلامی باهاست مانند همراه خود برای سرنگونی این رژیم و استقرار دولت انقلابی کارگسران و زحمتکشان ایران آماده خواهند داد. نه تأیید و حمایت دولت شوروی و منحصر دولت و رفتن در برای از رژیم جمهوری اسلامی هیچگونه نمی تواند در رژیم و اراده تودمهای مردم ایران خنثی ایجاد کند. ما از قهرمانین این سیاست اتحاد جماهیر شوروی را نفس آشکار ائتزاناسیونالیسم، هدول از توسعه جانبی او از مبارزه انقلابی تودمهای مردم ایران و طبقه زمین به انقلاب ایران و طبقه کارگر محرف می نسازیم و قطعاً کارگسران و زحمتکشان ایران چنین موضع گیری را از جانب هرکس که باشد فراموش نخواهد کرد.

پخش نشریات...

بخوانند. تودمهای کارگر و زحمتکشان باید تودمهای کارگر و زحمتکشان را نیز به پارهای چند اعلامیه که بهوسیله اسفالت ریخته بود و بهارم سازمان چشم می درختند تا حد اقل بد آنند اعلامیه مربوط به کسب ام سازمان است.

انتقاد و انتقاد از...

کارگر ایران باید رهبری انقلاب را در دست گیرد و اگر حزب کمونیست ایران باید ساخته شود، پس باید کارهای کمونیستی را داشته باشیم که قبل از هر چیز بهمنشورهای نقد کمونیستی آشنائی و تسلط کامل داشته باشند. آموزشهای مارکسی انگلس و لنین علاوه بر اصول و تجارب نفسی انقلابات جهانیس بودیه از این زاویه عیناً می تواند مورد مطالعه قرار گیرد. مارکسیسم لنینیسم آموزهای است از اصول و روشهای کمونیستی. هراتر مارکس و هر نوشته انگلس و هراتر لنین منبع سرشاری است از آموزشهای شیوههای کمونیستی انقلاب. باشد که رفتار کمونیست ما از این زاویه نیز بر این آثار بنگرند و آموزشهای انسان را بشناختن و تپاشش و روش کمونیستی، منهای نقد خود قرار دهند.

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

کمکهای مالی دریافت شده

۱۲۲۴	۲۰۰۰	ریال
۲۱۲	۱۰۰۰	ریال
۲۱۲	۱۰۰۰	ریال
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	ریال
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	ریال
۸۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	ریال
۵۰۰۰	۵۰۰۰	ریال
۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	ریال
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	ریال
۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	ریال
۳۰۰۰	۳۰۰۰	ریال
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	ریال
۳۰۰۰	۳۰۰۰	ریال
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	ریال
۲۰۰۰	۲۰۰۰	ریال
۱۰۰۰	۱۰۰۰	ریال
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	ریال
۳۰۰۰	۳۰۰۰	ریال
۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	ریال

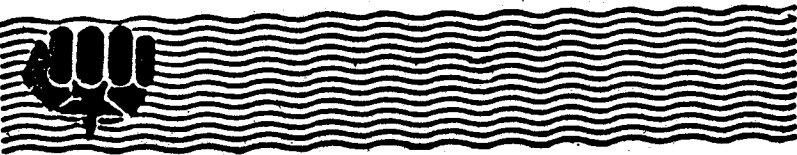
اطلاعیه کمیته مالی...

و حمایت تودمهای امکان دارد که سازمان بتواند در برابر تودمهای ایران و منازک کمیسرته و دولت حاکم ایستادگی کند و علاوه بر این ضایع صوم کارگر را از موضع این طبقه، از ضایع صوم تودمهای زحمتکش و نام کند. در مجموع، حمایت ها و روشهای زحمتکش و رستان و زمین، طبقه و دشمنان پوشیده و آشکار طبقه کارگر، بهر چه سرخ انقلاب را در راه تازانگه دارد. هر چه سازمان در انجام وظایف انقلابی خود بیشتر میزور کند، و هر چه وظایف بزرگتری سنگین تری در برابر سازمان قرار می گیرد که جز با تودمهای تودمهای سازمانی پشتیبانی و حمایت هر چه بیشتر تودمهای زحمتکش، انجام آن میسر نیست. در انجام این وظایف، همکاری از مشکلات همبستگی سازمان که از ضایع و اهداف طبقه کارگر فاج میکند مالی است. اکنون که ادامه فعالیت های سازمان گسترده تر شده و وظایف سنگین تری بر دوش سازمان قرار گرفته است، ما با رژیم نیاز همبستگی مالی بیشتر احساس می کنیم. از این رو هر کارگر و زحمتکشی که نسبت به منافع طبقه خود می اندیشد و کلبه کسانیکه ضایع طبقه کارگر فاج میکند باید تلاش کند که سهم بیشتری از دستبرد خود را در اختیار سازمان برآورد. کمیته هواداران سازمان که تاکنون با تودمهای احیای مالی سازمان را تقویت کرده اند، اکنون نیز باید بد تلاش های خود در این زمینه بپردازند.

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران! اضا و هواداران سازمان!

اکنون بیش از ۳ سال از سر به اسفند ماه ۲۶۰ روزین رفتن بخش مطبوعی از امکانات مالی و اداری سازمان میگذرد. طی این مدت همسایه بعضی نقض قسمی در زمینه تامین نیازهای مالی سازمان ایجاد نموده اند. کمیسرهای بی دینم فشار سراسر ایران و هموطنین هواداران سازمان در خارج از کشور موجب شد تا بتوانیم در این دوره تا حدی نیازهای تکنیکی سازمان را بر طرف نمائیم. اما وظایفی که اکنون بر دوش سازمان قرار گرفته است به مراتب سنگین تر از گذشته می باشد.

برای بهبود امور جاریه و سازماندهی بیگانه رطبقاتی کارگران و زحمتکشان طبقه رژیم فدائی جمهوری اسلامی، باید از هر لحاظ به تدابیر لازم مبادرت ورزیم. شما می توانید از طریق کانالهای تشکلاتی سازمان و یا به هر نحوی که خود میسر می آید کمیسرهای مالی خود را به سازمان بوسانید. کمیته مالی و اداری ۲۶۲/۱/۲۰





یادداشت‌های سیاسی

حکایت نوارهای از هاری و علم الاعداد خمینی

تأیید و تقویت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی توسط اتحاد شوروی جلوه‌ای از رویزونیسم

در آستانه سرنگونی رژیم که توسط نظام ارتجاع و مظهر ختم و بیدارگری نظام سرمایه‌داری است، در پی تقویت این نظام و بهبود مناسبات خود با آن باشد چگونه طبقه کارگر اتحاد جماهیر شوروی، دولت و حزب کمونیست این کشور مورد اجازت می‌دهد بخوابد و تقویت رژیم بود از آنکه دشمن سرنگند خود، عمیق کمونیست مارکسیست‌ها و عوام نیروهای انقلابی در سراسر جهان بطوریکه در ضمن طبقه کارگر و عوام خود، زحمتکش نیروهای انقلابی ایران بطور اخص می‌باشد. مناسبات های مائوسیستی ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در مرحله های داخلی و خارجی بر چه کسی بستگی داشته مانده است. چه کسی می‌تواند انگار کند که رژیم جمهوری اسلامی جلالت تنگنظر را با ترمک بمسکوب بورژوازی جنین طبقه کارگر و دولت هارتخت ستم ایران و اقدام و همافزونی از کوشش‌ها و دیگر نیروهای انقلابی و به بند کبیدن و همافزونی دیگر حفظ کرده است. آپاستگری خواهد کردی های این رژیم ارتجاعی و سیاست هاروی - نهایت ارتجاعی آن بود و لنت شوروی چشمه است که دست در آستانه سرنگونی این رژیم و رشد و اعتلا، مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران بخوابد و تقویت این رژیم برخاسته است. دولت

در پی مذاکرات اخیر آندره کرومیکو، وزیر امور خارجه شوروی با نمایان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی که در اوایل اسفند فروردین ماه صورت گرفت مسافرتی در ایران طی صاحبهای بانشریه ایران پس از بهررسی مناسبات جمهوری اسلامی با شوروی برآیند از این صاحبه آشکار ساخت که مناسبات دولت شوروی و جمهوری اسلامی که در اثر تبلیغات واقع‌گرایانه ضد شوروی رژیم جمهوری اسلامی به نجات گرایده بود، در پی این ملاقات به نفع محسوس بهبود یافته است و در آینه مناسبات میان این دو دولت گسترش خواهد یافت. ملاقات آندره کرومیکو و نمایان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و در پی آن اظهار نظر سفیر این کشور در ایران منجر به بهبود مناسبات میان این دو دولت و بخشهایی شوروی از رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی طی بیش از شش سال جنگی نسبت به کارگران و زحمتکشان ایران اکنون با یک حلق وسیع جنبش انقلابی خودمختار روپرست و در مرحله‌های بین‌المللی نیز یکی در رانندگی قرار گرفته است. شرایطی که اکنون در برابر خود معاصر مردم سراسر ایران قرار آورده است که چگونه دولت اتحاد جماهیر شوروی بشود اجازه می‌دهد

جنبش این مبارز و قیامت و بی‌شمسی، در سخنان اخیرش که در روز ۱۷ اردیبهشت در حضور جمعی از پیشگامان چریک‌شومت عنوان روحانیین صورت گرفت خیزش‌هاست پساری تعویذ و ادمازه فریبکارانه است آن قسمت از صحبت‌هایش بود که گفت: "نسا باید بداند که در انگلستان چندین ماه پس از بهررسی مناسبات بود در پی آنکه اگر چهار نفر از دریا، جانی فرس کند احصاب بکنند، این تا آخر مورد گفته می‌شود که در ایران احصاب احصاب است... (کمپان ۱۲/۱۲/۵۱) خمینی آنچنان خود را بی‌حیاطان زده است که گمانم در اندر ایران کوچکترین حرکت انقلابی را در پی آنش با کوله باغ می‌کنند و برآستی یک حرکت احصاب محدود با خود هم در وید و حتی سترانیک احصاب یکساله انگلستان با دیگر کشورها اهمیت پیدا کند. چرا که در اکثر کشورهای سرمایه‌داری نخبه‌ها حد اقل در لگات‌ها و تبارهای صنایع کارگری بچونند دارند و رسمیت دارند بلکه کارگران اکثر این کشورها طی سالها مبارزه انقلابی حق احصاب را به دست می‌دهند و سرایه - در ایران محصل گرد مانده پس در کشورهایی که اتحاد بهایی کارگری رسیده است، احصاب به نفع یک حرکت کانونی روسی بدین وقت شده است. برقراری یک احصاب حتی یکساله که حمایت مادی و معنوی بسیاری از نخبه‌ها و اتحاد بهایی جهانی را بد نبال آورد هر چند هم و با ارزش است اما حتی در وید یک کپی احصاب کارگران ایران که در زیر سر نیزه چکمیون‌ها خمینی و دیگر سلسله‌های مزد پرورانش بهایشود نمی‌تواند قرار گیرد و این در حالی است که هیچگونه تشکل قانونسسی کارگری در ایران رسمیت ندارد مگر ارگانهای از سوی رژیم شناخته شده.

و باز خمینی با این سخنان تنفر انگیزش صبی می‌کند احصاب‌هاست شکوهند کارگران ایران بروه طی دو سال اخیر احصاب چهار تا کارگر کلد آمد کند. کارگران بوزعت گمانی که قیام شکوهند بهمن را به نیت سر گذ افتانند بخوبی سخنان از هاری - الاغ چهار ستاره شاه را بخاطر دارند که فزونهای بر زمین ریخته مردم انقلابی را با سیاست رنگ و صدای انقلابی آنان را "سوار" ضبط صوت نامید. شوخی تلخ تاریخ این است که نقیه عادل و مومن و درویشکار و راستگو و نشانه خدا آند در زمین ۳۰۰۰ نفر و ده هم صلحناک مثل خلیج چیزهای بد بیا سرد زنی آورد.



اطلاعیه کمیته مالی و تدارکات سازمان

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!
اعضا و هواداران سازمان!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در مبارزه خود طبقه نظام سرمایه‌داری، در مبارزه با طر آرماتهای ولای طبقه کارگر، پیوسته از حمایت بی‌دریغ خود معاصر متحد بدخواستار رشد و سرخوردن بوده است. آن سازمانی قادر است که در زیر پرچم قانونسسی ترین و یکتوری حاکم سراسر ایران به حمایت خود ادامه دهد و از امکاناتی مجبور از مبارزه طبقه نظم موجود حفظ کند که از حمایت و پشتیبانی خود معاصر زحمتکش برخوردار باشد و تکمیل ماضی خود را در مرحله‌های مختلف فعالیت برکنه پشتیبانی کارگران و زحمتکشان قرار دهد. تنها با اتکال به این پشتیبانی

بقرهده صفحه ۳۱

سرنگون یاد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق